

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۲۲ - چهارشنبه ۶ خرداد ۱۳۶۰، دوره هفتم، سال سوم  
۲۲ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

## برنامه حزب را پیام موزیم

# استقلال ملی

بخشی از برنامه حزب توده ایران، که در هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران به تصویب رسید، به «استقلال ملی» اختصاص یافته است. ما خواهیم کوشید، در حدودی که در یک مقاله می‌گنجد، به برخی جوانب مقوله «استقلال ملی» بپردازیم، تا مضمون مواد برنامه حزب در مورد «استقلال ملی» بهتر و ژرف‌تر معلوم گردد.

صفحه ۲

## استقلال جنبش سندیکائی

کارگران و زحمتکشان و سیاست‌های تخریبی ضد کارگری

خوانندگان «نامه مردم» در شماره دیروز روزنامه ما، پامتن اطلاعیه «انجمن همبستگی سندیکایاها و شوراهای کارگران و زحمتکشان تهران و حوزه» آشنا شدند. چنانکه از متن این اطلاعیه برمی‌آید، دفتر این «انجمن» که یات سازمان مستقل صنفی کارگری است، و وابسته به هیچ حزب و سازمانی نیست، از جانب عناصر مشکوک مورد حمله قرار گرفته و خسارات زیادی به آن وارد آمده است.

«انجمن همبستگی» در اطلاعیه خود، ضمن جلب نظر مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران نسبت به نقض قوانین مملکت، و اعلام اینکه احتمال بروز مجدد چنین حوادثی هنوز هم وجود دارد، پیدرستی سؤال میکند که:

برهم‌زدن آرامش محل انجمن بسود چه کسانی است؟ چگونه است که عناصر ضدانقلاب آزادانه می‌توانند به خانه کارگران هجوم آورند؟ مسئولیت جلوگیری از این حوادث، آنهم در سالی که به فرمان امام خمینی «سال قانون» باید باشد، با کیست؟

بنظر ما، طرح همه این سئوالها منطقی است. انجمنی که با تلاش بیکسختی ناپذیر سندیکایاها و شوراهای کارگری و پیش‌کسوتان مبارز و آگاه جنبش سندیکائی بوجود آمده، و طی دوسالی که از آغاز فعالیت آن می‌گذرد، بعنوان یک سازمان مستقل صنفی کارگری شناخته شده، بجهت دلیل باید مورد حمله و هجوم قرار گیرد؟ این چه نیروهائی هستند، که با هجوم به خانه کارگران، سعی در پراکنده ساختن انجمنی دارند که همه حرکت‌های آن منطبق با خواست‌های انقلاب عظیم و شکوهمند مردم ایران و کارگران و زحمتکشان کشور ماست؟ پاسخ سئوالاتی که «انجمن همبستگی» مطرح میکند، چندجانبه است:

شبهه نیست که «انجمن همبستگی» کارگران و زحمتکشان، در درجه اول مورد حمله و تجاوز نیروهای ضدانقلابی و بازماندگان رژیم طاغوتی گذشته است. این نیروها می‌دانند که «انجمن همبستگی» کارگران و زحمتکشان، بعنوان یک سازمان مستقل صنفی کارگری،

می‌تواند نقش مهمی در تجمع و تشکل کارگران و زحمتکشان ایفا کند و در تجزیه کارگران و زحمتکشان ایران در دفاع از انقلاب و خنثی ساختن توطئه‌های امپریالیستی و ضدانقلابی نقش مهمی بعهده گیرد.

پدیدسان، حمله ضدانقلاب و عوامل وابسته به آن به «انجمن» بقیه در صفحه ۲

## اسناد سری رژیم جنایتکار صدام حسین دستوری دهنده

# کردهای ایران را تحریک کنید! کردهای عراق را تعقیب کنید!

و اینک رهنمودهای رژیم صدام حسین:

### متن سند (۱)

وزارت خارجه دفتر مخصوص بخش هماهنگی شماره ش ۱۱۵۶۰ تاریخ: ۱۱/۹/۱۳۶۰ سری و فوری به سفارت جمهوری عراق - بخش هماهنگی موضوع - کردهای ایران خواهشمند است بدستور ذیل عمل کنید:

بقیه در صفحه ۲

مطالعه این اسناد بویژه از یک نظر بسیار جالب است و آن اینکه، برخی گروهکهای چپ‌رو و چپ‌نما، که رژیم صدام حسین را با خشم و کین مورد حمله قرار میدهند، عیناً مانند کارکنان سفارتخانه‌های عراق، عمل می‌کنند. آنها تحریکات و ابستگان به رژیم صدام حسین، چون باند قاسملو را به خلق کرد نسبت می‌دهند و تلاش می‌کنند تا بیش از پیش خلق کرد را به چاه توطئه صدام حسین و «ناتو» بکشانند و آنرا در مقابل انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار دهند.

روزنامه «طریق الشعب»، ارگان مخفی حزب کمونیست عراق، در شماره ۵ سال ۱۹۸۱ خود، برخی از اسناد سری دولت عراق را کلیشه کرده است. یکی از این اسناد به شماره ش ۱۱۵۶۰، دستورالعمل وزارت امور خارجه عراق به کلیه سفارتخانه‌های این کشور است که طبق آن عوامل صدام حسین موظف میشوند «با تمام قوا از کردهای ایران علیه رژیم خینی‌نشتیانی کنند!» آنها را تحریک نمایند و بسالکس، طبق رهنمودهای دیگر، «کردهای عراق را تحت تعقیب قرار دهند» و...

## درباره دشنامها و افتراهای «مجاهد» به حزب توده ایران

# سند افشاگر ضد انقلاب - دستاویزی برای فحاشی به حزب توده ایران

مورد تحسین بلندگوهای ضد - انقلابی اویسی و بختیار و امثال آنها قرار دارد و چه میکند که با تشویق آنها مواجه است؟ چرا رهبری «مجاهدین خلق» در مورد محاکمه امیر انتظام سکوت کرده است و دم بر نمی‌آورد؟ رابطه رهبری «مجاهدین خلق»

سکوت کرده است؟ چرا رهبری «مجاهدین خلق» امپریالیسم آمریکا و توطئه‌ها و تحریکات آنرا علیه انقلاب ایران به فراموشی سپرده است و علیه لیبرالیسم یا جاده‌صاف‌کن امپریالیسم، سخنی نمی‌گوید؟ چرا رهبری «مجاهدین خلق»

«بافشاری بر مواضع نادرست، به انحطاط اخلاقی می‌انجامد». این حکمی است که نشریه «مجاهد» با وضوح تمام آنرا به اثبات میرساند.

رهبری «مجاهدین خلق»، که در قبال سئوالات منطقی و مستدل حزب توده ایران در مورد مشی و سیاست نادرست و زیانبار خود، پاسخی ندارد، برای دفاع از این مواضع - که قابل دفاع نیستند - و گریز از پاسخگویی، رکیب دشنام و افترا را بر حزب توده ایران کشوده و تمام مرزهای اخلاق انقلابی و اخلاق مطبوعاتی را در نور دیده است.

حزب توده ایران بر اساس واقعیات و موضع‌گیریهای رهبری «مجاهدین خلق» از رهبری «مجاهدین خلق» پرسیده بود: «جبهه متحد انقلابی» از نظر شما از چه نیروهائی متشکل شده است و متحدین شما برای دستیابی به اهداف مورد نظرتان کیستند؟ چرا رهبری «مجاهدین خلق» در مورد مساله اساسی ۱۸ میلیون دهقان، یعنی اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و خواست دهمها ۱۸ میلیون ایرانی محروم، یعنی اجرای اصل قانون اساسی در مورد دولتی کردن بازرگانی خارجی،

در اثر آتش رزمندگان جمهوری اسلامی ایران:

## ۲ پادگان ارتش صدام در خاک عراق به آتش کشیده شد

در ادامه نبرد دلورانه رزمندگان جمهوری اسلامی ایران، بخش دیگری از مواضع دشمن در جبهه‌های غرب و جنوب کشور منهدم شد و یک پادگان ارتش صدام نیز به محاصره رزمندگان جمهوری اسلامی ایران درآمد.

به موجب اطلاعیه ۵۱۳ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در منطقه آبادان دلوران نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با اجرای آتش روی مواضع دشمن، ۳ تانک، ۳ خودرو، یک بولدوزر، یک انبار مهمات و چندین سنگر گروهی ارتش صدام را منهدم کردند و در عملیات شجاعانه خود در ۲ جبهه این منطقه ۱۳۰ تن از نفرات دشمن را به هلاکت رساندند.

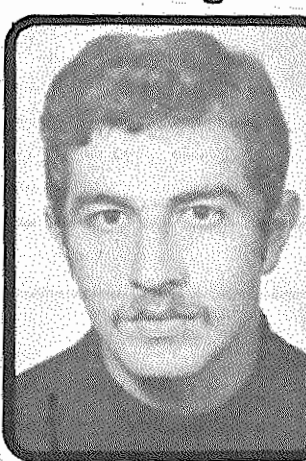
بر اساس این گزارش، در منطقه اهواز هلیکوپترهای هواپیمایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) با کشیدن آتش شدید روی نفرات دشمن، ۴

## نه، این قافله را سرباز ایستادن نیست

# رفیق شهید، توده‌ای قهرمان، حمید رضامبرز، جان شیفته خود را انثار انقلاب کرد

توده‌ای قهرمان، رفیق شهید حمیدرضا مبرز، بر اثر ترکت خمیاره دشمن به قافله‌ای پیوست که ۴۰ سال است از میان آتش و خون می‌گذرد و سرود رهائی زحمتکشان را با هزاران گلوی خونین می‌خواند.

رفیق حمیدرضا مبرز، در سال ۱۳۳۴ پدینیا آمد، او که یکی از خیل عظیم توده‌های تحت‌تسم بود، در رزم با استثمار و خفقان بالید. هنگامی که جهان را شناخت و به ریشه‌های رنجی که به خلق می‌رفت، آگاه شد، دیگر شعله‌های ایران پیوسته است.



اکنون به خیل شهیدای انقلاب ایران پیوسته است.

«دلیم می‌خواهد باشم با دلم نمونه‌ای دیگر از صداقت، عزم و عشق توده‌ایما به انقلاب، مردم و میهنم باشم».

آن جان عاشق، که این سخنان را فریاد میکرد، اکنون همراه قافله شهیدان توده‌ای در راه فتح تاریخ است. رفیق قهرمانی که تنها دارائی خود، جان شیفته‌اش را، در چنگ گرفته بود، تا نثار انقلاب کند،

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شده!

# توطئه ضد انقلابی سرقت اسناد دولتی را کاملاً خنثی کنید

دادستان انقلاب مکتب ماموران خود را برای حراست از اسناد بانک مرکزی به این بانک فرستاده است. طبق اطلاعیه دادستانی انقلاب، بعد از اینکه نیمه شب در شب ۴ خرداد، به دادستانی انقلاب درباره نسخه برداری و نقل و انتقال اسناد بانک مرکزی گزارش داده شد، ماموران دادستانی برای مراقبت از اسناد به بانک مرکزی فرستاده شدند.

در همین حال روابط عمومی داد برای انقلاب اسلامی مرکزی، با انتشار اطلاعیه دیگری، اعلام کرد که دو متهم دستگیر شده در ارتباط با سرقت اسناد وزارت خارجه اعتراف کرده اند که ۸۷۲ برگ مدارک مهم و سری را از وزارت خارجه بیرون برده و به محل دفتر ریاست جمهوری منتقل کرده اند. طبق همین اطلاعیه متهمین اعتراف کرده اند که:

«تاکسون به A وزارت خانه و ارگان دیگر از جمله دانشگاهها، وزارت کشور، وزارت کشاورزی، شهربانی و غیره... جهت دریافت مدارک مراجعه نموده و بدون داشتن حکم خروج اسناد، مقادیر مهمی مدرک و سند و فتوکپی پرونده اشخاص را بسه دفتر ریاست جمهوری برده اند. (کیهان - ۵ خرداد ۱۳۶۰)

اخبار بالا، که رسماً از جانب دادستانی انقلاب اعلام شده، نشان میدهد که سرقت اسناد از وزارت خارجه در واقع بخشی از یک توطئه بزرگ برای خارج کردن اسناد دولتی از تمام وزارتخانه ها و ادارات دولتی بوده است.

در این زمینه از جمله آقای عطاالله مهاجرانی نماینده مجلس گفته است:

«یک جبهه ناهمگون، ولی هماهنگ، حرکت سیاسی حساب شده ای را شروع کرده است.» (کیهان - ۴ خرداد ۶۰) و: «سرقت اسناد محرمانه وزارت خارجه گرچه می تواند اهداف متفاوتی داشته باشد، اما مهمترین آن از بین بردن نقاط تیره و تاریک و مخدوشی کارنامه سیاسی عناصر جبهه متحد فوق می باشد.» (همانجا)

با به خوشوقتی است که توطئه ای چنین گسترده، که هنوز هم پاباد واقعی آن افشاء نشده، کشف شده است. از آنجا که خارج کنندگان اسناد از وزارت خارجه، بر طبق

## تازه های روز

### مشتی از خروار سرمایه داران غارتگر

ظلم که کارفرمایان آنها را داشته و حقیقه آنها را نبرداخته، مجبورند در سن بازنشستگی بکار ادامه دهند»

به گزارش روزنامه «جمهوری اسلامی» (۵ خرداد ۱۳۶۰) شعبه اول دادگامانقلاب اسلامی مرکز محاکمه دو سرمایه دار غارتگر را پایان داد و وارد شور شد. این دو سرمایه دار محمدحسین و مرتضی شکرچیان نام دارند و به همراه برادر دیگرشان رضا، که به نوشته همین روزنامه «قبل از انقلاب به آمریکا، موطن اصلی خود عزیمت کرده»، سالیان دراز به غارت کارگران کارخانه قرقه زیا «اشتغال» داشته اند.

برخی از اتهامات این سرمایه داران بقرار زیرین است:

۱- سرسپردگی کامل و وابستگی به رژیم منقر پهلوی، ۲- ارتباط نزدیک با عوامل صبیونیست، ۳- استثمار کارگران و پرداختن ظلم و ستم در حق آنها، ۴- همکاری و ارتباط با ساواک منحل و سرکوب کارگران، ۵- چپاول سرمایه های مملکت و بدعکاربهای کلان به بانکها و سازمان بیمه اجتماعی.

بعلاوه، در جلسات دادگاه مطرح شد که «قبل از انقلاب هرگاه فرد کارگر سخن از حق و احقاق حقوق به میان می آورد، مسئولین کارخانه او را به ساواک تحویل می دادند. بدین ترتیب گروه کثیری از کارخانه اخراج شدند» و بعلمت اینکه حقیقه کارگران ۵ سال تمام پرداخت نشده، «کارگرانی هستند که با وجود کسولت سن فقط بعلمت

### انتخاب درست ریگان!

روزنامه واشنگتن پست در شماره اخیر خود، بناچار سیمای واقعی زمامداران آمریکایار دیگر نشان داده است. به نوشته این روزنامه، لفیورده، معاون وزارت خارجه در حقوق بشر، که توسط هفت تین کنس جدید کاس سفید منصوب شده: «بخاطر اتهامات گذشته اش در مورد رشوه خواری و قبای با شرکتهای بزرگ تولید شیر خشک و فروشی اجناس نامرغوب و غیربهداشتی بسه کشورهای جهان سوم مورد انتقاد قرار دارد.» (کیهان - ۴ خرداد ۱۳۶۰)

اطلاعه دادستانی، «بعده ای دیگر همکاری میکرده است» باید هر چه سریعتر و با پیگیری و قاطعیت رشته های بدست آمده را دنبال و با یافتن این «همکاران» توطئه را بکلی خنثی کرد. افشای

از روزنامه ها چاپ شده است، مبنی بر اینکه دکتر چعفر ندیم عضو حزب توده ایران است. بدینوسیله اعلام میداریم که دکتر چعفر ندیم هیچگاه عضو حزب توده ایران نبوده و هیچگونه پیوندی با حزب توده ایران نداشته و ندارد.

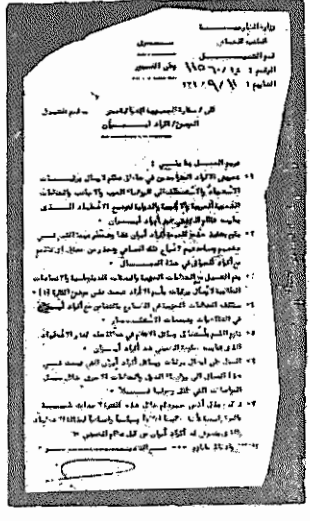
## اسناد سری...

بقیه از صفحه ۱

۱- کردهای مقیم محل ماموریت خود را برای ارسال تلگرافهای جلب توجه و کمک به روسای عرب و بیگانه و سازمانهای مردمی عربی و منطقه ای و بین المللی، جهت توضیح ترور و اختناقیکه رژیم خمینی علیه کردهای ایران اعمال میکند، تشویق کنید.

۲- این موضوع فقط در مورد کردهای ایران است و وظیفه بخش تنها منحصر به تشویق آنها و کمک به آنها برای انجام این کار است. از برقراری هرگونه تماس در این زمینه با کردهای عراق احتراز کنید.

۳- با سازمانهای حزبی و هیاتهای سیاسی و اتحادیه های دانشجویی برای ارسال تلگراف بنام خود اکراد در مورد موضوع



## نه، این قافله را...

انقلاب سراسر مبین ما را در می نوردید. رفیق حمید آخگر جانش را به شعله عظیم انقلاب پیوند زد و سنگر به سنگر، تا سرنگونی رژیم شاه جلا داد، رژیم در همین رزم سترگ بود که با مشی انقلابی حزب توده ایران آشنا شد و به توده ایها پیوست با تشکیل سازمان حزب توده ایران در ساری، رفیق شهید به عضویت حزب در آمد. تا پیش از تجاوز رژیم جنایتکار صدام به ایران انقلابی، رفیق حمید با تمام نیرو و با عشقی شگفت، به بردن آرمان حزب به میان توده ها می پرداخت. با یورش تجاوزگران صدامی و فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، رفیق حمید، چون دیگر توده های ما، آماده شد تا برای دفاع از میهن انقلابی جان خود را نثار کند. رفیق شهید، که منقشی خدمت سال ۱۳۵۷ بود، در تهران، بابل، ساری، قلمش شهر و آمل، با مراجعه به مراکز اعزام داوطلبین و ثبت نام، تقاضای اعزام به جبهه را کرد. امکان رفتن او به جبهه وقتی فراهم شد که از منقشی خدمت های سالهای ۵۴، ۵۵ و ۵۷ خواسته شد که بطور داوطلبانه به جبهه برود. رفیق حمید لحظه ای درنگ نکرد. او آنقدر برای رفتن به جبهه شور

## ۲ پادگان...

و ادوات زرهی ارتش صدام حسین، ۳ تانک، یک توپ پدافند هوایی، ۳ خودرو حامل مهمات و ۳ خودرو حامل نفرات دشمن را نابود و حداقل ۴۰ تن از افراد صدام را کشتند و یا زخمی کردند. این اطلاعیه می افزاید که روز

بند (۱) هماهنگی کنید. ۴- سازمانهای حزبی در خارج مکلفند با اکراد ایران در تظاهرات و گردهم آئیها جهت ابرازتنفی (از رژیم خمینی)، هماهنگی کنند. ۵- بخش، برای استفاده از وسائل تبلیغاتی موجود در منطقه کار خود، جهت پخش اخبار ترور و اختناقیکه حکومت خمینی علیه کردهای ایران معمول میدارد، اقدام کند.

۶- برای رساندن تلگرافها و نامه های کردهای ایران به روسای دولت و سازمانها، از راههای ارتباطی که وصول آنها را تضمین نماید، اقدام کنید.

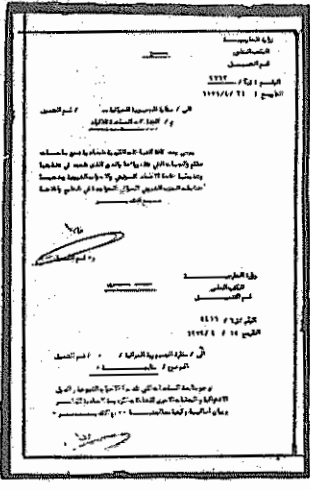
۷- نهایت کوششی و مساعی خود را در این برهه، برای ایجاد یک اعتراض گسترده تبلیغاتی، سیاسی و انسانی در سطح جهان در مورد ترور و اختناقیکه از طرف رژیم خمینی علیه کردهای ایران اعمال میشود، مبذول دارید. جهت اطلاع و اقدام لازم... با تشکر.

### مقتضی سید (۷)

وزارت خارجه دفتر مخصوص، بخش هماهنگی - شماره ۴۴۱۶۶- تاریخ ۱۹۷۹/۴/۱۶ - ساری سفارت جمهوری عراق - بخش هماهنگی موضوع: پیگیری خواهشمند است کمکهای را که احزاب کمونیست و دولتهای سوسیالیستی و سازمانهای دیگر به فعالیت کردهای مخالف کشور می کنند، پیگیری کنید و روش

و شوق داشت که وقتی مدتی در پادگان ماند، با داره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش مراجعه کرد و به خط مقدم جبهه فرستاده شود. دو هفته قبل از شهادت، رفیق حمید، که برای مرخصی کوتاه مدتی به ساری برگشته بود، در عروسی برادری به یکی از رفقای توده ای منقشی ۵۶، که بعد از پایان خدمت، تازه از جبهه برگشته بود، گفت:

«تو رفتی و سالم برگشتی. ما توده ایها برای پیروزی می جنگیم و در این راه حاضریم جان خود را هم بدهیم. اگر در راه نبرد برای پیروزی انقلاب و دفاع از میهن شهید بشویم، این هم برای ما پیروزی است. اما من دلم میخواهد شهید بشوم و عکسم را بر تمام دیوارهای خیابانها و کوچه های ساری بچسبانم، تا گواه کوچکی باشد بر این که توده ایها داوطلبانه به خط مقدم جبهه می شتابند و جان خود را نثار انقلاب می کنند. دلم میخواهد با شهادت نمونه ای دیگر از صداقت، عزم و عشق توده ایها به انقلاب، مردم و میهن باشم.» سرانجام روز ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۰، ترکش خمپاره دشمن، این جان عاشق را در سنگرهای مقدم جبهه به شهادت رساند. مراسم تشییع جنازه رفیق شهید



و چگونگی برخورد با آن را بیان نماید... با تشکر

### مقتضی سید (۸)

شماره ۴۷۶۲۲۲ تاریخ: ۱۹۷۹/۴/۲۱ ساری سفارت جمهوری عراق - بخش هماهنگی هر اقدامات کمک رسانی به

خواهشمند است تمام اقدامات ضد دولتی کردها را در محل ماموریت خود و نیز نیروهای را که در پشت سر آنها ایستاده اند و نقشی را که در تغذیه و تحریک آنها ایفا می کنند بویژه اتحاد شوروی و احزاب کمونیستی و سازمانهای حزب کمونیست عراق در خارج کشور - را بررسی کنید و ما را مطلع سازید... با تشکر

روز ۲۵ اردیبهشت از مسجد جامع ساری آغاز شد. از ساعت ۹ صبح جمعیت کثیری از مردم، جهت الاسلام طبری امام جمعه ساری، اعضاء و هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مسجد جامع ساری اجتماع کردند. سپس بیکر گلگون رفیق شهید، در حالیکه گارد احترام پادگان ساری آنرا با موزیک همراهی میکرد، بر شاهنهای خلق تشییع شد.

مردم در حالیکه بیکر گلگون رفیق حمید را حمل می کردند و شمار می دادند:

- این سندجنایت آمریکاست - صدام، صدام ننگت باد - رهبری خمینی اساس وحدت ماست

- این گل پرر ماست به گورستان ملامجالدین رسیدند. در آنجا بیکر گلگون رفیق شهید حمید رضا میرز در میان شعار: - شهید گلگون کن خانه تو مبارک طی مراسم با شکوهی به خاک سپرده شد. روی دسته گلی که از طرف سازمان حزب توده ایران در ساری بر مزار رفیق شهید نهاده شد بود، این جمله بی چشم میخورد:

«حمید رضا میرز، رفیق شهید توده ای، راحت ادامه دارد»

همین منطقه پادگان بانوبوک در فاصله ۴ کیلومتری میوان در خاک عراق، بسا آتش سلاهای سنگین ما بکلی نابود شد و کلیه تاسیسات این پادگان به کلی از بین رفت. بر اساس آخرین گزارش، این منطقه، هم اکنون در محاصره رزمندگان سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

### برنامه حزب را پیام موزیم

# استقلال ملی

## مفهوم استقلال ملی

بخشی از برنامه حزب توده ایران، که در هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران به تصویب رسید، به "استقلال ملی" اختصاص یافته است. ما خواهیم کوشید، در حدودی که در یک مقاله می‌گنجد، به برخی جوانب مقوله "استقلال ملی" بپردازیم، تا مضمون مواد برنامه حزب در مورد "استقلال ملی" بهتر و ژرف‌تر معلوم گردد.

خلقی که بتواند احترام به تمامیت ارضی و حق حاکمیت خود را تمام و کمال در محدوده کشور خویش تأمین کند، بتواند در سیاست خارجی و در سیاست داخلی کشور خویش را سا و فارغ از هر گونه تحمیل اراده و فشار و نفوذ غرض‌آلود خارجی تصمیم بگیرد، بتواند مصون از رخنه غارتگرانه خارجی امکانات خود را، به دلخواه خود، در جهت پیشرفت و تکامل به کار گیرد، بتواند مناسبات با دیگر کشورهای جهان را بر مبنای برابری حقوق و سود متقابل عادلانه، بر مبنای مصالح و در جهت رشد و ترقی همه‌جانبه مادی و معنوی کشور خویش برقرار کند، استقلال ملی خود را تأمین کرده‌است. استقلال ملی شامل استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، استقلال نظامی و استقلال در همه دیگر عرصه‌های زندگی است. استقلال، یعنی عدم وابستگی و وابستگی چنان مناسباتی است که امکان تصمیم‌گیری مستقل را در جهت تکامل و تعالی از کشور توسط کشور و یا کشورهای خارجی سلب کند.

## استقلال سیاسی - اهرمی برای کسب استقلال همه‌جانبه

کشور ما، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، که با قیام بیکارچه خلق زحمتکش زیر پرچم اسلام و به رهبری امام خمینی انجام گرفت، استقلال سیاسی خود را به دست آورده است. این دست‌آوردی بسیار بزرگ و بزرگ‌ترین دست‌آورد انقلاب است. حاکمیت در کشور ما، اکنون می‌تواند و باید در هر عرصه‌ای و نسبت به حل هر مشکل و مسئله‌ای، بر مبنای منافع و مصالح خلق و کشور ایران، تصمیم اتخاذ کند. البته هنوز امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، مجدانه و با تثبیت به همه وسایل ممکن، از جمله به وسیله جادادن اعمال نفوذ در دستگاه حاکمیت و یا کمک به بقا و گسترش نفوذ بورژوازی لیبرال ایران، که خواستار احیای مناسبات وابستگی است، در صدد رخنه و اعمال نفوذ در استقلال سیاسی کشور ماست. ولی این دیگر مسئله‌ایست مربوط به وظیفه تحکیم استقلال سیاسی، که از سوی حاکمیت انقلابی باید پیگیری نه‌تنها و اجرا شود.

استقلال سیاسی اهرم نیرومندی است برای کسب استقلال در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره، که هنوز از وابستگی‌هایی نیافته‌اند. برخلاف استقلال سیاسی، نمی‌توان استقلال را در دیگر عرصه‌های زندگی اقتصادی - اجتماعی به‌طور "ضربتی" به دست آورد. اما با در دست داشتن اهرم نیرومند استقلال سیاسی، ما می‌توانیم و باید در راه قطع وابستگی در همه عرصه‌های زندگی، با اتخاذ سیاستی درست، طبق برنامه دقیق مدون، با گام‌های استوار پیش رویم و به استقلال تام و تمام، استقلال در همه عرصه‌ها، به استقلال ملی دست یابیم.

در این‌جا نکته مهمی را باید مودکاً خاطر نشان کرد: همان‌طور که استقلال سیاسی اهرم و پویایگاهی است برای کسب استقلال در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره، کسب استقلال در این عرصه‌ها نیز باعث استحکام و خلل‌ناپذیری استقلال سیاسی است. استقلال سیاسی، در عین بقا و وابستگی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره، دوام‌پذیر نیست. به نسبتی که عدم وابستگی در این عرصه‌ها تأمین شود، به همان نسبت استقلال سیاسی مستحکم‌تر، استوارتر و آسیب‌ناپذیرتر خواهد شد. و برعکس، به همان نسبتی که وابستگی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره، خطر قرار خواهد داشت. چرا؟ برای این‌که وابستگی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره آفریننده نیروی اجتماعی - سیاسی ضد استقلال و هوادار بقا و گسترش وابستگی است. مثلاً در عرصه اقتصادی، صاحبان موسسات تولیدی وابسته، صاحبان صنایع مونتاژ، همه سرمایه‌دارانی که سرمایه‌های آن‌ها با سرمایه‌های انحصارات امپریالیستی "مخلوط" است و یا سرمایه‌های آن‌ها در پیوند با سرمایه‌های انحصارات امپریالیستی "کار" می‌کند، خواستار نفوذ و حتی سلطه سیاسی امپریالیسم در کشور خویشند، چون که با چنین نفوذ و سلطه‌های دوام‌گارتگری آن‌ها، که بخشی از

"جغرافیایی" نیست، شعار سیاسی است، بیانگر ضرورت اتخاذ و اجرای چنان سیاستی است که کشور ما را به "شرق" (کشورهای سوسیالیستی) و به "غرب" (کشورهای امپریالیستی) وابسته نکند، چنان سیاستی که استقلال کشور ما را در همه عرصه‌ها و شئون زندگی کسب و تأمین و تثبیت و تحکیم کند.

حزب توده ایران با چنین مضمونی شعار "نه شرقی نه غربی" را مانند همه دیگر نمایندگان سیاسی نیروهای اجتماعی استقلال طلب مورد تأیید قرار می‌دهد و اجرای کامل آن را خواستار است. اجرای این سیاست به صورت برقراری مناسبات با دیگر کشورها، بر مبنای احترام متقابل به تمامیت ارضی و حق حاکمیت، برابری کامل حقوق و سود و صرفه متقابل عادلانه، امکان‌پذیر است. اجرای این سیاست در عمل باعث خواهد شد که کشورهای امپریالیستی دیگر نتوانند مناسبات نابرابر و سودجویانه و غارتگرانه، مناسبات-نوع استعمارگرانه بر ما تحمیل کنند، و نیز باعث خواهد شد که مناسبات ما با کشورهای سوسیالیستی و نیز با کشورهای مستقل "جهان سوم"، که آن‌ها نیز خواستار برقراری مناسبات بر مبنای احترام متقابل به تمامیت ارضی و حق حاکمیت و برابری حقوق و سود متقابل عادلانه هستند، گسترش یابد.

اما همگی نیروهای اجتماعی و سیاسی که امروز در کشور ما فعالیت می‌کنند، خواستار اجرای شعار "نه شرقی، نه غربی" می‌باشند، به عنوان شعار بیانگر سیاستی استقلال طلبانه، نیستند، به ویژه نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری لیبرال ایران سعی دارند که این شعار را به معنای سیاست "موازنه منفی" وانمود سازند، که مضمون آن گویا "دوری یکسان" از "شرق و غرب" است، یعنی از کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی است، ضمن این‌که می‌دانند "دوری یکسان" از مجموع کشورهای سوسیالیستی و امپریالیستی، یعنی از مجموعه کشورهای رشد یافته، برای کشوری نظیر کشور ما، ناممکن است و نه مفید. در نتیجه، هدف اینان، از گنجاندن مضمون "دوری یکسان" از "شرق و غرب" در شعار "نه شرقی، نه غربی"، جلوگیری از برقراری مناسبات با کشورهای سوسیالیستی است، تا بدین وسیله کشور ما ناگزیر به برقراری مناسبات با کشورهای امپریالیستی گردد، راه برقراری مناسبات برابری حقوق و متقابل سودمند با کشورهای سوسیالیستی سد شود و راه حفظ و برقرار کردن مناسبات نابرابر و استعمارگرانه با کشورهای امپریالیستی هموار گردد. در عمل نیز این نیت و هدف سرمایه‌داری لیبرال ایران مشهود است. هرگاه مناسباتی با کشورهای سوسیالیستی، به‌ویژه با اتحاد شوروی، از سوی کشور ما برقرار شود، هر چند بر مبنای برابری حقوق و سود متقابل عادلانه و حتی بیشتر به سود ما باشد، فریاد برمی‌آورند که بخش "نه شرقی" شعار "نه شرقی، نه غربی" نقض شد! ولی در مورد حفظ و یا گسترش مناسبات نابرابر با کشورهای امپریالیستی یا سکوت می‌کنند، یا تأیید می‌کنند و یا با کوشش گستاخانه آن‌ها برای توسعه این مناسبات روبرو هستیم، زیرا از نظر آن‌ها، بدون چنین مناسباتی، کشور ما "منزوی" می‌شود!

شعار "نه شرقی، نه غربی" هم اکنون چگونه اجرا می‌شود؟ با در نظر گرفتن عدم تعادل واردات کالا از "غرب" و از "شرق"، به سود "غرب" مسافرت به کشورهای غربی، که در چارچوب محدودیت‌های ناشی از جنگ و صرفه‌جویی در ارز عملاً آزاد است، ولی مسافرت به کشورهای "شرقی" عملاً ممنوع، تعداد دانشجویان ایرانی در کشورهای غربی، که بالغ بر صد هزار نفرند و در کشورهای "شرقی" ناچیز، خلاصه به در نظر گرفتن وسعت میدان مناسبات کشور ما در عرصه‌های مختلف با کشورهای "غربی" و با کشورهای "شرقی"، پاسخ روشن به این پرسش آسان است: شعار "نه شرقی، نه غربی" در حال حاضر عملاً به صورتی اجرا می‌شود که خطر حفظ و گسترش مناسبات نابرابر با کشورهای امپریالیستی، که به زیان مصالح و منافع کشور ماست، از یک سو، و خطر حفظ محدودیت در مناسبات برابری حقوق و متقابل سودمند که به سود مصالح و منافع کشور ماست، از سوی دیگر را در بر دارد.

شعار "نه شرقی، نه غربی"، به معنای سیاستی که باید به کمک استقلال به دست آمده سیاسی، بتواند کشور را بمسوی کسب و تأمین و تحکیم و تثبیت استقلال در دیگر عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره فعالانه هدایت کند، سیاستی که مناسبات با دیگر کشورها را، اعم از "غربی" و "شرقی" - قطع نظر از نظام سیاسی - اجتماعی - اقتصادی آن‌ها، بر مبنای احترام به تمامیت ارضی و حق حاکمیت، برابری حقوق و سود و صرفه متقابل عادلانه، برقرار نماید، باید اجرا گردد و نه به صورت سیاستی که انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را از کشورهای سوسیالیستی دوست جدا نگاه‌دارد و یا جدا کند و در عین حال "پنجره" بازگشت امپریالیسم را به کشور ما باز نگاه‌دارد و یا بگشاید.

شعار "نه شرقی، نه غربی"، که در کشور ما عنوان و رایج شده، ناگفته پیداست، شعار

همه‌این نظریات مطلقه و سفسطه‌آمیز است. و هدف سیاسی آن‌ها صاف کردن جاده رسوخ نو - استعماری از سوی کشورهای امپریالیستی، زمینه‌سازی برای پذیرش وابستگی از سوی خلق‌های کشورهای "جهان سوم" است. اگر امکان‌رهای از وابستگی برای هیچ‌کشوری ممکن نباشد، طبعاً مبارزه در راه استقلال، مبارزه‌ای بی‌معنا، بی‌محتوا و بی‌هدف خواهد بود. در نتیجه، از چنین مبارزه بی‌بهره‌ای باید دست کشید و به وابستگی، که امری است محتوم، گردن نهاد. امپریالیسم جهان‌نخواه چه شکرده‌ای برای تسهیل اجرای سیاست سلطه‌گرانه و غارتگرانه خود، در چینه تبلیغاتی دارد! دادوستد با دیگر کشورهای مظهری است از نیازمندی، ولی اگر این نیازمندی از طریق داد و ستد برابری حقوق و سود متقابل عادلانه رفع گردد، دلیل وابستگی نیست. فقط آن دادوستدی بیانگر و یا موجد وابستگی است، که بر مبنای نابرابر و غارتگرانه، نه برای رفع نیازمندی، بلکه برای ایجاد نیازمندی باشد، نه برای تقویت قدرت تولید داخلی، بلکه برای تضعیف آن باشد.

برقراری رابطه با دیگر کشورهای در زمینه‌های علوم و فنون ناشی از نیازمندی است، ولی اگر این رابطه چنان برقرار شود که آن نیازمندی رفع گردد، این رابطه وابستگی نیست. هر کشور مستقلی، تاجایی که می‌تواند و در هر رشته‌ای که می‌تواند، باید در جهت خودکفایی و بی‌نیازی حرکت کند. ولی خودکفایی مطلق در همه رشته‌ها برای هیچ کشوری ممکن نیست.

مثلاً کشور ما می‌تواند و باید در رشته‌های صنایع و تولید نفت و مشتقات آن، در رشته صنایع و تولید چدن و آهن و فولاد، در رشته صنایع و تولید مس خودکفا گردد، ولی نمی‌تواند در رشته صنایع هواپیما سازی به این زودی‌ها خودکفا شود. هزینه‌های فوق‌العاده گزاف از یک سو و شتاب انقلاب علمی و فنی، که باعث می‌شود فقط در مدت ۷ سال آخرین مدل مدرن‌ترین هواپیماها "کهنه" شود، به ما امکان نخواهد داد که به این زودی‌ها بتوانیم در این رشته خودکفا شویم. ما می‌توانیم و ناگزیر باید هواپیما خریداری کنیم، و اگر این خرید مقید به هیچ‌گونه قید و شرط سیاسی - اقتصادی - نظامی نباشد، وابستگی نخواهد بود.

همه‌کشورها، تا حدود معین و در رشته‌های معین، به یکدیگر نیازمندند. ولی برقراری مناسبات برای رفع این نیازمندی‌ها فقط زمانی مظهر وابستگی است که بر مبنای نابرابری حقوق، به سود یک طرف و به زیان طرف دیگر، بر مبنای سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری باشد.

این حکم کلی، تماماً غلط است که هر کشور تواناتری در صدد وابسته ساختن هر کشور کم - توان‌تری است. این هدف کشورهای امپریالیستی است و نه کشورهای سوسیالیستی. کشورهای امپریالیستی، دیگر کشورها را وابسته می‌خواهند، چون که دوام امپریالیسم مستلزم غارت منابع ثروت طبیعی و حاصل رنج زحمتکش دیگر کشورها است. بدون این غارتگری نظام سرمایه‌داری امپریالیستی نمی‌تواند به موجودیت خود ادامه دهد. کشورهای سوسیالیستی، برعکس، دیگر کشورها را مستقل می‌خواهند، زیرا استقلال آن‌ها باعث زوال نظام سرمایه‌داری امپریالیستی است، زیرا برقراری مناسبات برابری حقوق و متقابل سود مندم بین تمام کشورهای جهان، به سود کشورهای سوسیالیستی است. این که کشوری سوسیالیستی و یا غیر - سوسیالیستی برای دفاع از تمامیت ارضی و استقلال خود در برابر تجاوز امپریالیسم، مبادرت به تدارک نیروی تدافعی متناسب می‌کند، علامت وابستگی نیست، برعکس، علامت کوششی ضروری برای حفظ استقلال و صلحی است که در سایه آن می‌توان به روند تکامل و پیشرفت، مصون از تعرض امپریالیسم، ادامه داد.

## استقلال و شعار

«نه شرقی، نه غربی»

شعار "نه شرقی، نه غربی"، که در کشور ما عنوان و رایج شده، ناگفته پیداست، شعار

غارتگری انحصارات امپریالیستی است، تأمین می‌شود. به همین دلیل، مبرم‌ترین وظیفه انقلابی حاکمیت انقلابی و موثرترین وسیله شکستن کمربند نیروی ضدانقلابی در کشور ما، لغو بزرگ سرمایه‌داری وابسته و بزرگ مالکی، پیشرفت در جهت لغو وابستگی‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی است. فقط بدین وسیله است که می‌توان خطر ضدانقلاب را به‌طور عمده برطرف ساخت، زحمتکش را هر چه بیشتر، در صفوف هر چه فشرده‌تر، به سود انقلاب بسیج کرد، انقلاب را حفظ، تثبیت و تحکیم کرد و سرانجام آسیب‌ناپذیر ساخت.

استقلال سیاسی پایگاهی است برای کسب و تأمین استقلال در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و برعکس، استقلال در این عرصه‌ها پایگاه تحکیم استقلال سیاسی، تأمین مصونیت آن است. اگر کشوری استقلال سیاسی خود را از دست بدهد، قهراً به دنبال آن استقلال خود را در دیگر عرصه‌های زندگی نیز از دست خواهد داد. و برعکس، اگر در کشوری عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره در معرض رخنه و نفوذ وابستگی قرار گیرند، این کشور طبعاً استقلال سیاسی خود را نیز از دست خواهد داد.

به همین دلیل امپریالیسم، برای استقرار سلطه خود، برای وابسته ساختن دیگر کشورها و غارت آن‌ها، یا ابتدا قدرت سیاسی را در این کشورها، از جمله به وسیله کودتا به چنگ می‌آورد، و سپس به وسیله قدرت سیاسی همه شئون این کشور را وابسته به خود می‌کند و کشور را به میدان چپاول خود بدل می‌سازد، و یا ابتدا در اقتصاد، در فرهنگ، در نیروهای مسلح و در دیگر شئون زندگی آن کشور رخنه می‌کند و سپس به سوی حاکمیت سیاسی می‌خزد و آن را به چنگ می‌آورد. فرق سیستم استعمار کهن با استعمار نوین، به‌طور عمده، اینست که در سیستم کهن استعماری، ابتدا قدرت حاکمه سیاسی از سوی دولت‌های امپریالیستی به قهر تصرف می‌شد و سپس همه عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی کشور مستعمره زیر سلطه غارتگرانه و مخرب دولت استعمارگر قرار می‌گرفت. ولی در سیستم استعمار نوین، معمولاً، ابتدا انحصارات دولتی‌های امپریالیستی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره نفوذ می‌کنند و سپس به کمک این نفوذ، قدرت سیاسی را نیز در کشور نواستعمارزده تصرف می‌کنند. گفتیم "معمولاً"، زیرا هم اکنون نیز امپریالیسم شیوه تصرف "ضربتی" (کودتایی) قدرت سیاسی را رها نکرده‌است، منتها این کودتا ظاهراً به وسیله عمل "بومی" امپریالیسم انجام می‌گیرد، تا به اصطلاح ظاهر استقلال سیاسی کشور نواستعمارزده حفظ شود.

## نظریات غلط درباره عدم وابستگی

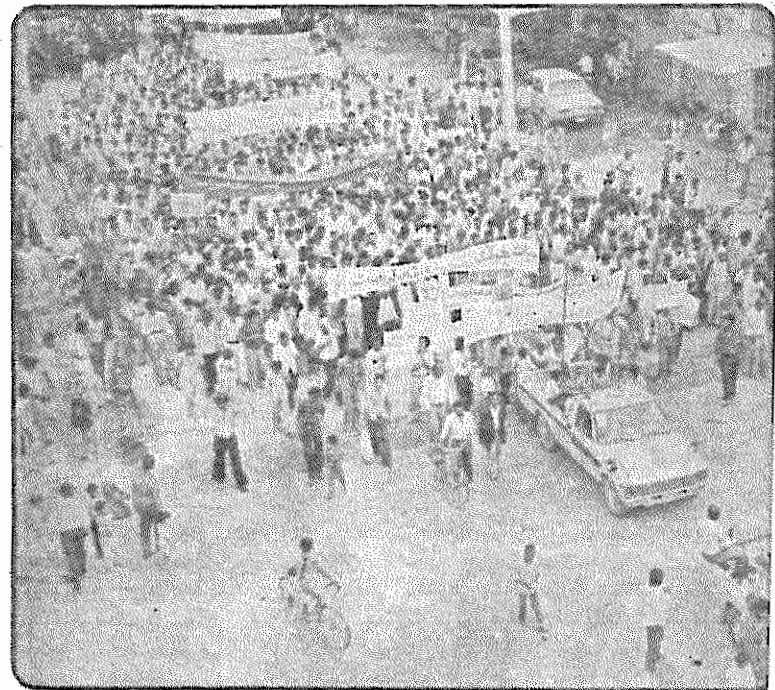
مجموعه نظریاتی که به غلط و یا به فرض در مورد استقلال و عدم وابستگی بیان گردیده و یا بیان می‌گردند، منجر به این نتیجه‌گیری واحد می‌شوند که: دستیابی به عدم وابستگی و کسب استقلال ممکن نیست. مثلاً می‌گویند: داد و ستد با دیگر کشورها مظهری است از نیازمندی به دیگر کشورها و نیازمندی به دیگر کشورها، یعنی وابستگی. می‌گویند: هر گونه رابطه با دیگر کشورها در زمینه‌های علوم و فنون ناشی از نیازمندی است، پس وابستگی است. می‌گویند: تا کشوری به‌طور مطلق و در همه زمینه‌ها و شئون زندگی خودکفا نشود، وابسته خواهد بود. می‌گویند: همه کشورها به یکدیگر وابسته‌اند، زیرا نیازمند یکدیگرند و بنابراین مستقل نیستند و نمی‌توانند باشند. می‌گویند: کشورهای تواناتر کشورهای کم‌توان‌تر را وابسته به خود می‌کنند، چون این کشورها کم‌توان‌تر قهراً و طبعاً مجبور به قبول وابستگی هستند. می‌گویند: دو کشور، آمریکا و شوروی، همه دیگر کشورهای جهان را به خود وابسته ساخته‌اند، چون تواناترین قدرت‌های جهانند. می‌گویند: این دو "ابر قدرت" نیز به هم وابسته هستند، چون لااقل مجبورند بخشی از درآمد ملی خود را، در ارتباط با دفع خطر دیگری، صرف امور نظامی کنند.

سیستم کارمزدی باید ملغی شود

به مشکلات کارگران کارخانه شماره ۲ آرمه رسیدگی کنید

در این کارخانه: \* محیط کار بهداشتی نیست \* دستگاهها فرسوده و نامطمئن اند \* از درمانگاه خبری نیست

کارخانه خانوادگی شماره ۲ آرمه در کرج قرار دارد. در این کارخانه ۱۵۶ نفر، از جمله ۸۵ نفر زن در دوتوبت ۸ ساعته کار می کنند. تولید کارخانه گونی-های نایلونی است. ۴۷٪ سهام کارخانه متعلق به سازمان گسترش و نوسازی صنایع و بقیه در اختیار بخش خصوصی است. اولین چیزی که در ابتدای ورود به این کارخانه توجه انسان را جلب می کند، سروصدای فوق العاده دستگاهها است. محوطه کارخانه که مساحتی در حدود ۳۵۰-۴۰۰ متر مربع دارد، با مقدار زیادی ماشین به فواصل کم پوشیده شده است. محیط تنگ، کار را برای کارگران مشکل ساخته است. هوای کارخانه نیز بسیار آلوده است. در فضای کارخانه ذرات روغن و پلاستیک، به علت آنکه در تولید مواد پلاستیکی و روغنی به کار می رود، موج می زند. این ذرات شناور در فضا موجب بیماری سل در میان کارگران می شود. ابزار تولید کارخانه، قدیمی و



راهپیمایی عظیم کارگران و زحمتکشان بوشهر بمناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

همه کارگران باید پوشش قانون کار قرار گیرند

کارگران موقت هم باید رسمی شوند

در شهرداری تهران (منطقه ۳) رفتگران را پس از ۸۹ روز کار، اخراج و دوباره استخدام می کنند، تا همیشه "موقت" بمانند، رسمی نشوند و همیشه محروم از مزایای قانونی بمانند، بیمه نباشند و تأمین شغلی نیز نداشته باشند! کارگران شهرداری، بویژه رفتگران یکسره در تلاشند و در جای خود وظیفه حساسی دارند. مساله این جاست که رفتگرانی در دوره رژیم سابق استخدام رسمی شده اند و به این ترتیب مثلاً "بیمه هستند. اما آن ها که پس از انقلاب بکار گرفته می شوند "موقت" و بی بهره از مزایای طبیعی کار خود. کارگران موقت همان اندازه احساس مسئولیت می کنند و کار آن ها همانقدر دشوار و جدی است که دیگر رفتگران رسمی. در ضمن شهرداری خود از این جریان آگاه است و قرار دادها را مرتب تمدید می کند، ولی هر بار، پس از طی یک دوره ۹۰ روزه کار از نو شروع می شود و هیچ کس حقی ندارد.

در قانون کار انقلابی جایی برای نقض امنیت شغلی زحمتکشان وجود ندارد.

ما پیش از این بارها به مسئله کارگران موقت برخورد کرده ایم. ما بارها خواست عموم کارگران را دایره بر این که "همه کارگران باید رسمی شوند و زیر چتر حمایت قانون تأمین اجتماعی قرار گیرند، منعکس کرده ایم. و اکنون بار دیگر نظر موکد خود را تکرار می کنیم که وجود چنین روشی در شاهن جمهوری اسلامی ایران نیست. کارگران باید رسمی باشند. باید "حق کار"، همانطور که نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد، برای عموم تضمین شود. مبداء چنین حرکتی آن جاست که عده ای کار می کنند، ولی به لحاظ قرارداد موجود، بیم اخراج آن ها می رود و حتی در حین کار نیز "بیکارند"، زیرا با وجود رنجی که می برند و تلاشی که همیای دیگر کارگران از خود نشان می دهند، مثل آن ها که بیکارند، از مزایای قانونی ثمری و بهره ای ندارند.

باید آن ها که "کار" دارند، این حق برای آن ها به هر قیمت محفوظ بماند، تا نوبت به بیکاران نرسد. این مهم عملی نیست مگر این که مفهوم "کار" به روشنی و خالصی از ابهام در نظر گرفته شود، و نه فقط زحمت کارگر، بلکه همچنین بر -خورداری از طبیعی ترین حقوق شاغلین. این سنت زشتی است که از دوره طاغوت، بمنابهایکی از عوارض منحوس رژیم غارتگر سرمایه داری، در ایران باب شد: کارگر باش و تمام استعداد و نیروی جسمی و روحی خود را بکار ببر، اما برخورداری از حقوقی را که در این زمینه قانون برای تو مقرر داشته، فقط بعنوان یک لطف و مرحمتی

کارگران بتون سازی شهرداری قزوین:

تا آخرین قطره خون

از وطن انقلابی دفاع می کنیم

"ما می دانیم که این جنگ به تحریک آمریکا صورت گرفته است و تا آخرین قطره خون از وطنمان دفاع می کنیم. وی می افزاید: "محرومیت ها، نارسایی ها و کمبودها را تحمل می کنیم و با تمام وجود از این انقلاب پاسداری می کنیم. در همه مراکز کارگری، از کارخانه ها و مجتمع های بزرگ گرفته تا کارگاه های کوچک، این گفتار از طرف طبقه کارگر ایران در عمل به اثبات رسیده است. اما یابین صبر و شکیبایی انقلابی

شهرداری قزوین یک کارگاه بتون سازی دارد. در این کارگاه ۷ نفر به کار مشغولند و اغلب آنها موقت هستند. تولید کارگاه بلوک سیمانی (حدول کنار خیابان) است. در این کارگاه هیچ یک از موادی که در قانون کار آمده است، به اجرا در نمی آید. حتی کارگران مجبورند برای جبران کمبود مالی، جمعه ها نیز کار کنند. یکی از کارگران بنام حسن رشادت زاده که فقط ۱۶ سال سن دارد، درباره مشکلات کارگاه گفت:



کارگران: این جنگ به تحریک آمریکا صورت گرفته است

پایان ناپذیر است؟ آیا مسئولین کوشش خود را در حل نیازهای رفاهی زحمتکشان می کنند؟ طبقه کارگر ایران امروز شعار اصلی خود را پاسداری، تحکیم، تعمیق و گسترش انقلاب، محرومیت ها و کمبودها را تحمل می کند. ولی مسئولین نیز باید به نیازهای زحمتکشان توجه کنند و با جواب مثبت دادن به خواست هایی که در چارچوب مقدورات کنونی در نظر گرفته شده است، همگام با آنان، برای تثبیت و برگشت ناپذیر کردن انقلاب بکوشند.

"شرایط کارگاه طاقت فرسا است و هیچگونه وسائل رفاهی و امکانات ایمنی ندارد." ستار طالبی کارگر دیگر کارگاه در این مورد گفت: "ما مسکن نداریم و پرداخت کرایه با این حقوق ناچیز، زندگی ما را بسیار سخت کرده است. با وجود این دشواری ها، کارگران کارگاه فوق از هیچگونه فداکاری در راه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دریغ نمی ورزند. حسن رشادت زاده درباره جنگ تحمیلی می گوید:

کار فراهم کند. این کار لزوماً باید "شرافتمندانه"، "انسانی و فارغ از تحمیل های "موقتی بودن" و "بر -خورداری نبودن از تأمین اجتماعی و دیگر مزایا" باشد. رفتگران موقت شهرداری منطقه ۳ تهران نیز باید رسماً استخدام شوند؛ زیرا تعدید قراردادها گویای نیاز ثابت این واحد به کار این زحمتکشان است. پس کار هست، و نیز نمی توان باور کرد که شهرداری بمنابهایکی از دستگاه دولتی، بین کارگران بعنوان رسمی و غیررسمی قائل به تبعیض باشد و قصد جدا کردن آن ها را بکند، یا چیزی را، از آنچه متعلق به کارگران است، از آن ها دریغ دارد. می دانیم که در جمهوری اسلامی ایران چنین نیست و بویژه می دانیم که شهرداری چنین نیتی ندارد. معذراً اگر بدلائیل و شرایطی در یک برهه زمانی به چنین کاری تن داده شده، باید گذرا باشد و تکرار نشود. تنها در چنین حالتی است که دستاورد -های انقلاب به صاحبان اصلی آن، یعنی زحمتکشان تعلق می گیرد.

تلقی کن؟ کارفرما از سر "دلسوزی" و "انسان دوستی" امکان است در حق تو روا دارد! این است اخلاق سرمایه -داری غارتگر. و آن چه هنوز در روابط کار و سرمایه باقی مانده است، ثمره حکمفرمایی همین ضوابط ضد بشری دوره طاغوت است. باید گفت که در آستانه تدوین قانون مترقی، باید این لکه زشت از صفحه ز کارگران میهن ما پاک شود. قان باید بصراحت بر "استخدام ی" و "کار توام با" برخورداری از جمیع حقوق کار" انگشت گذارد. بدیهی است که در بسیاری از واحدها، ممکن است کاری یا تعهدی پس از گذشت مدت زمان معینی پایان یابد. آیا این پایان بمعنای پایان حق کار و تداوم امکان شاغل بودن کارگر است؟ این نیز باید تصریح شود که برابر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است که برای عموم شهروندان، بویژه زحمتکشانی که جز نیروی کار خود هیچ وسیله تأمین معاش و معیشتی در اختیار ندارند،

کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن و درگیری، توطئه ضد انقلاب است



### دهقانان زحمتکش صندلی قاسم و روستاهای اطراف باید بدانند:

## اختلافات میان دهقانان تنهابسود بزرگ مالک تمام می شود

روستای صندلی قاسم در ۱۵ کیلومتری جنوب رامهرمز قرار گرفته است. در اطراف روستا زمین های زراعی زیادی وجود دارد که به بزرگ مالک معروف رامهرمز "تعلق" داشته است. هیئت هفت نفری، زمین های این بزرگ مالک را مصادره کرده، لیکن به علت اختلافاتی که بین روستائیان چندین ده در همسایگی صندلی قاسم بر سر زمین ها وجود دارد، هنوز واگذار نشده اند. جهاد سازندگی این زمین ها را کشت کرده است.

در روستای صندلی قاسم اکثر اهالی دامدار هستند. و محصولات لبنی خود را همواره به بازار رامهرمز صادر می کنند. علاوه بر دامداری، زنان روستا از نوعی گیاه، که در کنار جوی ها می رویند، چادر درست می کنند. مردم این روستا در سال گذشته صاحب برق شده اند، لیکن از لحاظ آب در مضیقه هستند. در روستای صندلی قاسم در مانگاه وجود ندارد و اهالی به هنگام بیماری به شهر می روند. به ویژه تیفوس بسیار رایج است. در این روستا از شرکت تعاونی مصرف خبری نیست و مردم به ناچار وسایل مورد احتیاج را به قیمت گزاف از شهر خریداری می کنند.

شورای ده با سه عضو تشکیل شده است و بیشتر کارها به وسیله شورا انجام می گیرد. از جمله تماس با مسئولین شهری، هیئت هفت نفری و فرمانداری. اجرای فوری و کامل قانون اصلاحات ارضی و واگذاری زمین به دهقانان تهیدست امری ضروریست که باید انجام گیرد. در این مورد دهقانان زحمتکش صندلی قاسم و روستاهای اطراف آن باید توجه کنند که اختلاف میان آنان بسود بزرگ مالکان و واسطه ها تمام می شود. آرزوی بزرگ زمین داران بزرگ اینست که قانون به طور کامل اجرا شود و اراضی به صاحبان واقعی آن، یعنی دهقانان زحمتکش واگذار نگردد. بزرگ مالکان می خواهند وضع پلانتکلیفی را حفظ کنند و مانع افزایش تولید شوند. بنابراین - دهقانان تهیدست و زحمتکش - برای نقش بر آب کردن این آرزو و توطئه بزرگ مالکان باید دست به دست داده برادروار باهم کار کنند و اختلافات خود را کنار بگذارند و با اتحاد خود و با افزایش تولید بر پوزهای غارتگران بزرگ مالک بکوبند. آن ها نباید فراموش کنند که در جبهه ها رزمندگان با متجاوزان صدایی می - جنگند و تقویت پشت جبهه ضرورت دارد.

دهقانان عزیز زحمتکش! تا می توانید با استفاده از شیوه تعاونی تولید زمینه اختلافاتتان را از بین ببرید. همه زمین ها و وسایل کشت و مکم های جهاد و هیئت را یک کاسه کنید و زمین ها را به صورت تعاونی کشت کنید و با نیروی بیشتر محصول زیاده تری به دست آورید. نهادهای دولتی و تعاونی و نیز شورای ده می توانند و باید به شما برای رفع اختلافات کمک کنند، نه تنها تولید، بلکه برای مصرف نیز با شرکت خودتان می توانید تعاونی مصرف را در روستا سازمان دهید و وسایل مورد نیاز را بدون واسطه ها و ارزان تر و مطمئن تر در اختیار بگیرید. موفق باشید!

### اعضاء شورای روستای «ده پیشه» خطاب به وزیر کشاورزی:

## ما اطمینان داریم که دست های پینه بسته ما دهقانان برای شما سند است، نه حیل و مکر جباران

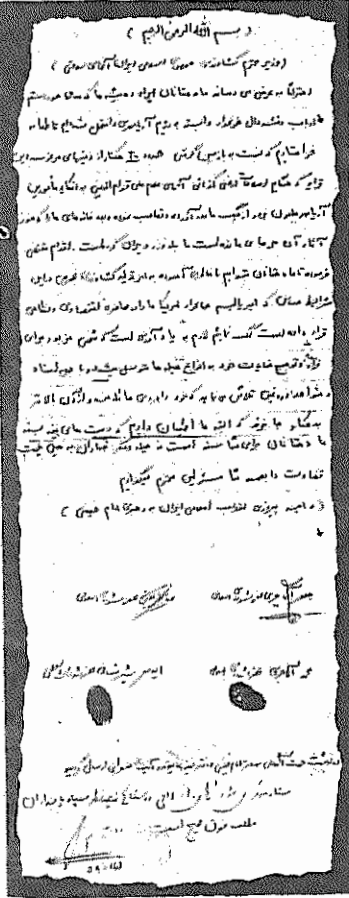
اعضاء شورای روستای ده پیشه جزء بخش زیدون و از توابع شهرستان بهبهان، در نامه ای خطاب به وزیر کشاورزی، آقای محمد سلامتی، به ۳۰۰ هکتار زمین مرغوب روستا، که توسط شخصی در رژیم گذشته و با اتکاء به مامورین طاغوتی غصب شده است، اشاره کرده اند. شورای ده بانهای انقلابی تماس گرفته و نامه ای به دفتر آیت الله منتظری و مجلس شورای اسلامی نیز فرستاده است. شورای ده در نامه خود به آقای سلامتی از زورگویی های بزرگ مالک در جریان کردن خانه هایشان در زمان رژیم مغزوب پهلوی یاد کرده و از وزیر کشاورزی چنین درخواست کرده است:

... اقدام مقتضی فرموده تا ما دهقانان بتوانیم با خاطری آسوده به امر تولید کشاورزی به خصوص در این شرایط حساس که امپریالیسم جهانخوار آمریکا ما را در محاصره اقتصادی و نظامی قرار داده است تکم نماییم. لازم به یادآوری است که شخص مزبور برای فرار و توجیه جنایات

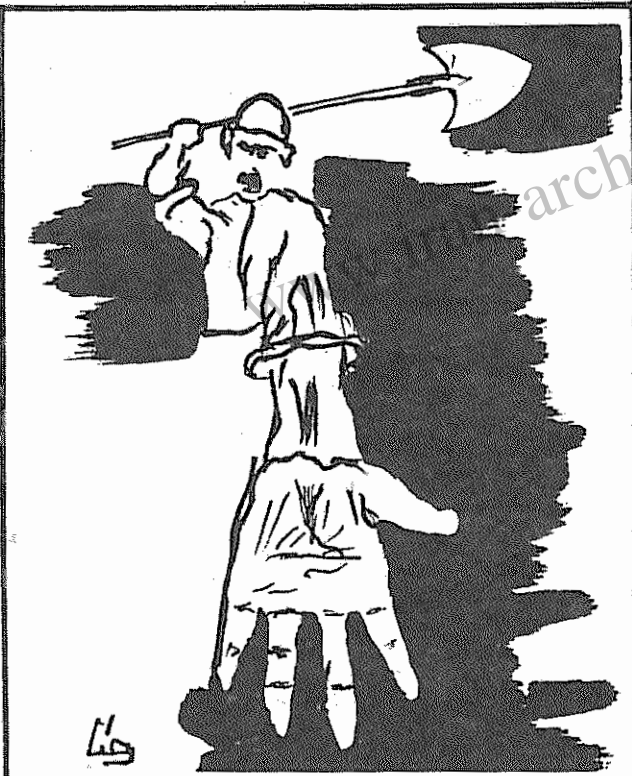
خود به انواع حیلها متوسل می شود و با جعل اسناد و شواهد دروغین تلاش می نماید که خود را فردی عاقل و منصف از آن بالاتر بدکارت جا بزند که البته ما اطمینان داریم که دست های پینه بسته ما دهقانان برای شما سند است نه حیل و مکر جباران. به همین جهت تقاضوت را به عهده شما مسئولین محترم می - گذاریم.

این نامه به امضاء اعضای شورای ده پیشه رسیده است و مهر ستاد مرکزی شوراهای اسلامی روستاهای بهبهان را نیز در زیر خود دارد. دست های پینه بسته در انتظار کار بر روی زمین های در مالکیت خود هستند. دست های پینه بسته در انتظار رسیدن به حق (زمین) هستند. صاحبان این دست های پینه بسته و تهیدست و محروم در انتظار اجرای فوری و کامل قانون اصلاحات ارضی هستند.

در ضمن، ذکر این نکته مهم لازم



است که، شورای روستای ده پیشه به درستی رابطه بین تولید بیشتر و تولید علیه ضد انقلاب و امپریالیسم آمریکا را درک و دهقانان را در این راه بسیج کرده است.



### سند، دست های پینه بسته کشاورزان است

## جلوی یکه تازیهای خانهار در منطقه «آنگوت» مغان بگیرید!

چندی قبل "نامه مردم" هشدار مبنی بر بازگشت و سازماندهی عمال ضد انقلابی فئودال های منطقه دشت مغان در کرد، که متاسفانه تاکنون با بی توجهی مسئولین مواجه شده است. نمونه اخیر اقدامات این اربابان اعمالی است که فئودال های روستای نریغان کنندی از توابع بخش آنگوت مغان انجام میدهند و هر روز به ظلم و جور خود نسبت به دهقانان می افزایند. فئودال های این ده به هر حیل های متوسل می شوند، تا دهقانان زحمتکش را بیازارند. این عده با توطئه های جدید خود توسته اند. یک نفر عضو شورای ده را توسط زاندرمری دستگیر و زندانی کردند. اهالی نریغان کنندی طی شکایتی که به امضای تمام روستائیان رسیده و رونوشت آن برای آیت الله منتظری و آقای رجائی ارسال شده، خواهان آزادی عضو شورای ده و خلاص شدن از جور فئودال ها هستند.

## دهقانان قمی سخن می گویند:

مشهدی حسین و مشهدی غلام - حسین دونفر از دهقانانی هستند که بروی زمین های مالک بزرگ، نظام، به صورت چهاربیک کار می کنند و در حقیقت جان می کنند و شمره کار آنها هنوز که هنوز است، به جیب زمیندار بزرگ می رود. آنها می گویند:

"جادارده که هیئت هفت نفری پیش ما هم بیایند و سراغ ما را بگیرند، تا ما را از زیر این بار طاقت فرسا نجات دهند. ما متاسفانه حتی هیئت هفت نفری را نمی شناسیم. مشهدی حسین می گوید:

"باید این زمین ها میان ما تقسیم شود. آخر مالک که کار نمی کند. این زمین ها را چه کسی به این صورت در آورده و صحبتاش آنرا آبیاری می کند؟ ما! پس از اینهمه زحمت او می آید و در آخر کار دستش را بکمرش می زند و سه قسمت از محصول ما را غارت می کند. اگر دولت این زمین ها را به ما بدهد، ما حتی بهتر از حالاکه می بینید، آنها را کشت کرده و حاصل آنرا تحویل می - دهیم، تا هم محصول کشور زیاد شود و هم ما از زحمت زیاد و غارت نجات یابیم. ما از دولت و هیئت هفت نفری می خواهیم که حتما یک کمکی بیاکنند. برای قم که باید پایگاه حق و عدالت باشد این اصلا خوب نیست که شکل کارونوع زحمت کشاورزان اینجور باشد. انقلاب برای ما است، و باید ثمره آن بدست ما برسد.

مشهدی حسین اضافه می کند:

"بعضی ها می آیند و می گویند اگر به شما زمین بدهیم، شما نمی توانید زمین را بگردانید. پس حالا کی می گرداند؟ ارباب که با ماشین می آید و می رود." بسخن درست دهقانان باید پاسخ شایسته داد، پاسخی شایسته انقلاب. و این پاسخ تنها یکی است: رفع تعویق از بندهای "ج" و "د" و اجرای کامل و قاطع و فوری قانون اصلاحات ارضی.

## توضیح

### درباره مطلب «عوامل مهم در مهاجرت روستائیان اطراف قائم شهر»

اخیرا نامهای با امضاء آقای محمد حسین خلیج سوادکوهی از قائم شهر به دفتر "نامه مردم" ارسال شده است، که طی آن توضیحاتی درباره مطلب مندرج در "نامه مردم"، شماره ۴۶۹، مورخ ۵۹/۱۲/۲۵، تحت عنوان "عوامل مهم مهاجرت روستائیان اطراف قائم شهر" داده شده است.

آقای سوادکوهی در نامه خود می نویسد:

"قریه کلیج فیل شیرگاه (سواد کوه) آب داشت و دارد و برق هم دارد حداکثر ۱۶۰ خانوار و ۱۶۰۰ نفر جمعیت دارد. در این روستا زمین کم نبود و نیست و بخصوص هر خانواده اولیا اندازه کافی باغ و حیاط و زمین زراعتی و زمین کشاورزی داشته و دارند و نیز ۹۰٪ خانوادها علاوه بر آن در کارخانه اشباع و راه آهن شیرگاه ذوب آهن معادن البرز مرکزی زیر آب و سایر ادارات دولتی بعنوان کارگر و کارمند مشغول کارند."

همچنین آقای سوادکوهی توضیح داده است که مقدار زمین های بیلا تکلیف روستا فقط ۳ هکتار و متعلق به خانواده ۱۸ نفری ایشان است. هیئت هفت نفری به دهقانان علاقمند به تولید در خصوص این زمین ها گفته است که بطور شرعی و قانونی اقدام خواهد شد، لیکن عده ای "زمین را نزد خود تقسیم کرده اند و برونده این اقدام توسط دادگما انقلاب قائم شهر جهت رسیدگی به پاسگاه ژاندارمری شیرگاه ارجاع شده و تحت بررسی است.

"نامه مردم" در این خصوص به تحقیقات خود ادامه میدهد. لازم به یادآوری است که "نامه مردم" درباره شخص نویسنده نامه مطلبی ننوشته و نامی هم از وی نبرده است. ما از فعالیت هیئت ۷ نفری و کار بطور مشاع زیر نظارت هیئت حمایت کرده، خواستار رفع اختلاف بین دهقانان، که احتمالا دستهایی در صدد نفاق - افکنی بین آنها هستند، شده بودیم، و حالاهم اگر عقیده و نظری از جانب مقامات مسئول یاد دهقانان ده برسد که راهگشا و در جهت رفع مشکلات باشد چاپ خواهیم کرد.

## توطئه ضد انقلاب را در روستای «تخت» خشتی کنید!

در روستای تخت، به فاصله ۶۵ کیلومتری بندر عباس، مدت هاست که عوامل ضد انقلاب، متشکل از روحانی - نمایان و تعالیه های رژیم سابق، به کارهای ضد انقلابی در جهت ناراحت کردن دهقانان زحمتکش تخت دست می زنند. از آن جمله است:

- راندن دام های بعضی از دامداران روستا به درون مزارع، - اخلال در تاسیسات آب و برق روستا، - تبلیغ در روستا در جهت عدم همکاری و تعاون بین دهقانان، - در این شرایط حساس که امپریالیسم مترصد هرگونه بهانه جهت مسخ انقلاب در نزد توده های محروم و زحمتکش است، مصرا نه می خواهیم که به این امر توجه و جلوگیری از اعمال ضد انقلابی آنها گرفته شود.

پیشبردهای انقلاب مبارزه با ضد انقلاب را ایجاب می کند. نباید گذاشت عناصر ضد انقلابی جلوی حرکت چرخ های انقلاب را بگیرند و مردم وزحمتکش را نسبت به انقلاب و اهداف آن دلبرند کنند.

دهقانان! برای دفاع از زمین خود، زور فرمان سپاه پاسداران مسلح شوید و آمادگی خود را برای شرکت در نبرد به نهادهای انقلابی اعلام کنید

# روزبه

## نامه‌های مردم به نامه مردم

# معیار عشق و آیت ایثار توده‌ایست!

### واقعیت‌های تلخ از زندگی زحمتکشان آلمان غربی

\* خانم نلی. ف. نامه دریافتی از جانب فرزند خویش را، که در آلمان غربی تحصیل می‌کند، برای ما ارسال داشته است. نامه فوق با بیان واقعیت‌های تلخ از زندگی مردم زحمتکش آلمان غربی، سرشت ستمگر و ضدانسانی امپریالیسم آلمان غربی را افشاء می‌کند. در نامه از جمله می‌خوانیم:

"... اینجا مردم به وسیله تبلیغات رسانه‌های گروهی شستشوی مغزی می‌شوند... بحران اقتصادی، بیکاری و گرانی بیداد می‌کند... درباره "دمکراسی" و "حقوق بشر" بی‌رنگ و رو باید گفت که در آلمان غربی گرایش‌های فاشیستی از همه کشورهای اروپای غربی بیشتر است... زمامدار ایالت بایرن، فرانکس یوزف اشتراوس، از جناح راست حزب دمکرات مسیحی است. جالب اینجا است که حتی سوسیال دمکرات‌ها هم می‌گویند فرانکس یوزف اشتراوس هیترلر زمان ماست.

همین جناب فرانکس یوزف اشتراوس هفته پیش قانونی از تصویب گذراند که پلیس ضداعتناش از این به بعد به باطوم برقی و گلوله‌های پلاستیکی مجهز بشود.

... مسئله مسکن نیز وضع فوق‌العاده نابسامانی دارد. اخیراً تعداد زیادی ساختمان متروکه به وسیله دانشجویان و کارگرها اشغال شد. پلیس هم "طبق قانون"، بعد از اخطار در و پنجره‌ها را به گلوله بست.

"نامه مردم": ضمن تشکر از فرستنده نامه، باید خاطرنشان ساخت که برآستی همین چند جلوه از اوضاع آلمان غربی - یکی از ستون‌های "جهان آزاد" - بیانگر نظام ناعادلانه و غیرانسانی سرمایه‌داری حاکم بر این کشور است، در حالی که ده‌ها سال است چنین پدیده‌های منفی، به برکت وجود نظام سوسیالیستی، در زندگی مردم آلمان دمکراتیک دیده نمی‌شود.

### تقاضای مردم استان چهارمحال بختیاری

\* احسان. ص. یکی از خوانندگان همیشگی نامه مردم، طی نامه‌ای خواستار به چاپ رسیدن "تقاضای مردم چهارمحال بختیاری" شده است و می‌ابتدا پرسش زیر را مطرح می‌سازد:

"چرا مسئولان اجرایی، به مسائل پیشیا افتاده‌ای از قبیل تعیین استاندار ثابت، ایجاد دادگاه انقلاب جهت رسیدگی به شکایات و مشکلات قضایی مردم چهارمحال بختیاری، دست به اقدام جدی نمی‌زنند؟ در اینجا باید متذکر بشوم که این امر به خودی خود موجب بهره‌برداری عوامل ضدانقلاب در منطقه شده است."

نگارنده نامه، سپس درباره ضرورت برپایی دادگاه انقلاب مستقل در چهارمحال بختیاری، مورد زیر را مثال می‌آورد:

"در جریان محاکمه موسوی، رئیس دادگاه شرع سابق شهرکرد، که متهم به رشوه‌خواری، اختلاس و اخاذی... شده بود، به علت نبودن مرجع مستقل قضایی در استان چهارمحال بختیاری، دادگاه وی در اصفهان تشکیل گردید. حدود ۲۰۰ نفر شاکی برای تقدیم شکایت و شهادت در دادگاه مجبور شدند به اصفهان بروند."

وی در پایان نامه خواستار رسیدگی به کمبودهای فوق شده است.

"نامه مردم": بدین وسیله با منعکس ساختن تقاضای مردم چهارمحال بختیاری، از مقامات صلاحیتدار و مسئول جمهوری اسلامی ایران می‌طلبیم که بخاطر رفاه حال مردم این خطه از میهنان، به این تقاضاهای برحق رسیدگی فوری کنند.

\* \* \* پیام شادباش "عده‌ای از دانش آموزان هوادار حزب توده ایران در زابل" به مناسبت ۱۱ اردیبهشت روز همبستگی کارگران دریافت شد. کاریکاتورهای افشاگرانه "ح-ا-ب، که ضمیمه پیام بود، نیز رسید.

\* \* \* خانم زهره، پاسخ سئوالات خود را، از طریق مطالعه جزوه‌های "پرسش و پاسخ" رفیق کیانوری، می‌توانید بدست آورید.

\* \* \* "کارگر آبادانی"، منظور ما از "انقلاب ایران و عراق" درستون "نگاهی به حوادث بین‌المللی در هفته گذشته" شماره ۴۸۲، انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی و جنبش انقلابی توده‌های وسیع مردم عراق در راه ایجاد دگرگونی بنیادی در عراق است.

\* \* \* دوست گرامی علی. م. نامه شما درباره برنامه رادیو و تلویزیون رسید. متشکریم.

### شماری از نامه‌های رسیده:

نامه مهدی. س. گارمند بانک درباره آوارگان افغانی، نامه‌های منصور. م. اصفهانی و قربانعلی. م. و نامه رفیق حسین درباره شرایط و قوانین حاکم بر کارگاه‌ها رسید. از همه این دوستان سپاسگزاریم.

### اشعار

\* رفیق م. رشاد سروده خود به نام "در راه زندگی" را برای ما فرستاده است. قسمت پایانی آن را می‌خوانید:

من لحظهای زیا ننشینم!  
ای رزم تو سترگ!  
ای کار تو بزرگ!  
چون روز روشنست،  
روزی ستاره نیز رام تو باشد،  
ای توده تلاش!  
خواهم جهان به کام تو باشد.

\* شعر "بهاران از آن ماست" سروده‌ایست از لطیف کردستانی، که به رزمندگان جبهه پیکار عادلانه علیه دارودسته تجاوزکار صدام تقدیم شده است. پاره‌هایی از آن را می‌خوانید:

ما، آواز خوان بهارانه گل‌هاستیم.  
ما، لبریز شوق رستنییم.  
پیش رویمان:  
- کوه‌ها و دریاها،  
- دشت‌ها و جنگل‌ها،  
و پشتوانه عشق ما "توده".

\* احمد. ق. از نویسندگان "دوشهر" به نام‌های "رهگذر" و "روزبه" برایمان ارسال داشته است. پاره‌هایی از شعر "روزبه" چنین است:

روزبه،  
بایاد خلق و حزب،  
در خون خود طپید.  
روزبه،  
با خون سرخ خویش  
در برگ برگ دفتر تاریخمان نگاشت:  
فرزند عاصی ستم‌درد ورنج خلق،  
معیار عشق و آیت ایثار توده‌ایست!

### شماری چند از اشعار رسیده:

شعر "کلمت انقلاب" سروده محمود فلکی، "مرگ بر آمریکا" از ک. ش. سهندارسالی از اراک، از محمد سروده‌ای بنام "مقاومت از م. و چندین شعر از جمله "نونهای تازه رس" و "فتح"، و شعر روز "از م. رضا دریافت شد. از این دوستان صمیمانه سپاسگزاریم.

## ریاکاری که حتی در آلمان غربی بی سابقه است!

پنج هفته از تاریخ ۱۳۶۰، به مناسبت سالگرد انقلاب ۱۳۵۷، در آلمان غربی...

فدرال آلمان، که خوب میدانند چه سودهای هنگفتی می‌توان از بابت فروش اسلحه به جیب زد و به سخاوت مندی دولت "بن" نیز واقفند، همه کوشش خود را برای معافیست از مقررات محدودیت صدور جنگ افزار بکار بردند. آنها با مشارکت با انحصارهای تسلیحاتی خارجی، بویژه فرانسوی، تولید و صدور اسلحه را به آنها سپردند و با اینهمه سهمی بزرگ از سود هنگفت آنرا به جیب زدند. اما کدام کنسرن امپریالیستی میل دارد دیگران را نیز در جیبول خود شرکت دهد؟ از اینرو و بعلت دشواری‌های اقتصادی فراوانی که جهان سرمایه‌داری با آن روبروست، هرچه بیشتر بردولت "بن" فشار وارد می‌آید که برای معاملات اسلحه تسهیلاتی قائل شود. اما این امر نیز با مشکلاتی چند مواجه گشت.

هنگامیکه شاه‌ملعون در اواسط سال‌های ۷۰ چندین زبرداری، هر یک به قیمت ۲۰۰ میلیون مارک، به آلمان غربی سفارش داد، هیچکس در محافل امپریالیستی آن کشور فکر آن را هم نمی‌کرد که مردم ایران رژیم او را بزودی به زیاده‌دان تاریخ خواهند سپرد. پس از انقلاب شوکه‌مند مردم ایران، "بن" کوشید تا این زبرداری‌ها را جای دیگر آب کند. اما نقشه فروش دوزبرداری به رژیم جنایتکار پینوشه بزودی برملا گشت و حتی برخی از محافل دولتی به مخالفت آشکار با آن پرداختند.

اکنون آشکار شده است که عربستان سعودی قصد خرید تانک و خودروهای زرهی را از جمهوری فدرال آلمان دارد. در اینجا خرید ۳۰۰ تا

۶۰۰ تانک سخن می‌رود. برخی حتی از رقم ۳۰۰۰ نام می‌برند. حتی اگر بیکره ۶۰۰ را بپذیریم، با توجه به اینکه قیمت هر تانک بیش از چهار میلیون مارک است، به رقم ۲/۵ میلیارد دلار می‌رسیم. بنا بر این، شگفت‌انگیز نیست که سهام کنسرن کراوس هافای، که تانک "لئوپارد" را می‌سازد، در عرض یک هفته، از ۱۲۲۸ به ۱۴۷۰ مارک رسید.

نقش عربستان سعودی و موفقیت آن در خاور نزدیک، یعنی یکی از تشریزده‌ترین مناطق جهان، "بن" را دچار محظوراتی کرده است. از یکسو کنسرن‌های آلمان غربی میل ندارند این لقمه چرب را به آسانی از دست بدهند، بویژه آنکه عربستان سعودی، با ۲۹ درصد، مهم‌ترین صادرکننده نفت به جمهوری فدرال آلمان است. از سوی دیگر، "بن" نشینان آبروی خود را در خطر می‌بینند. از اینرو، یکباره زرمه بلند شده است که گویا "عربستان سعودی در منطقه تشنج قرار ندارد!"

چنین ریاکاری که حتی در آلمان غربی بی سابقه است!

نمی‌توان گفت که سال جاری میلادی برای دولت "بن" نیک آغاز شد، زیرا در نخستین روزهای ۱۹۸۱ بود که یکی از اسرار بزرگ دولت آلمان فدرال، یعنی فروش اسلحه به عربستان سعودی فاش گردید.

شاید تضاد میان گفتار و کردار امپریالیست‌ها در هیچ جا به اندازه سیاست فروش اسلحه آنها نمودار نباشد. دولت "بن"، که به خوبی به این واقعیت آگاه است، پس از افشای مسئله نامبرده اکنون باتب و تاب فراوان میکوشد تا با دست‌یازی به نیرنگ‌های حقوقی، رسوائی خود را پنهان دارد.

جمهوری فدرال آلمان ده سال است که مدعی است، برای صدور اسلحه از سه اصل زیر پیروی می‌کند: ۱- بچنگ افزار و کالاهای تسلیحاتی می‌توانند تنها به کشورهای "ناتو" بدون هیچگونه محدودیتی صادر شوند. ۲- خارج از حیطه "ناتو" تنها با اجازه دولت فدرال می‌توان به صدور جنگ افزار اقدام کرد. ۳- برای صدور دیگر کالاهای تسلیحاتی، اجازه "کمیته کوکوم" (وظیفه این کمیته مشورت کشورهای "ناتو" و ژاپن تحریم فروش‌پاره‌ای از کالاهای کشورهای سوسیالیستی است).

\* به کشورهای واقع در به اصطلاح "مناطق تشنج"، هنگامیکه بیم برهم خوردن همزیستی مسالمت‌آمیز خلق‌ها برود، به هیچ روی اجازه صدور جنگ افزار و دیگر کالاهای تسلیحاتی داده نخواهد شد.

### اصولی که فقط روی کاغذ مانده

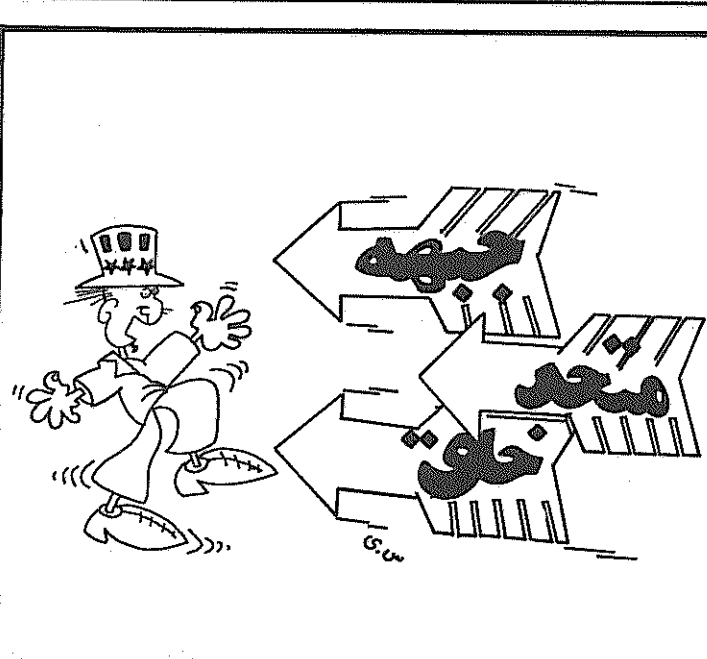
باید گفت که اصول سه‌گانه نامبرده سالهاست که فقط روی کاغذ مانده است و در عمل هرچه بیشتر نقض میگردد. طبق محاسبات "یواس. آ. آر. مکز کنترل اند دیز آرمانت ای جنسی" ("آژانس نظارت بر تسلیحات و خلع سلاح ایالات متحده") که به کمک‌های مالی دولت آمریکا وابسته است، و بی‌گمان، همه صادرات تسلیحاتی را منتشر نمی‌سازد. جمهوری فدرال آلمان در سال‌های ۷۷-۱۹۶۸ با ۱۶/۸ درصد، بالاترین نرخ رشد صدور تسلیحات را در میان کشورهای امپریالیستی دارا بوده است.

فون ورتسن، یکی از وزیران کابینه "بن"، در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۲۵۹ (۸ نوامبر ۱۹۸۱) اعتراف کرد که، تنها در سال‌های ۷۹-۱۹۷۵، دولت فدرال صدور کالاهای تسلیحاتی را به ارزش ۵/۹۳ میلیارد مارک مجاز شمرد ۴۰ درصد این کالاهای به کشورهای غیر "ناتو" صادر شده بود.

### «کلک»های کنسرن‌های تسلیحاتی و دولت نماینده آنها

کنسرن‌های تسلیحاتی جمهوری

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق



استقلال ملی... بقیه از صفحه ۳

خلاصه کنیم: استقلال ملی، یعنی استقلال همه جانبه کشور ما در تمام عرصه‌های زندگی، مهم‌ترین هدف انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. استقلال سیاسی، به عنوان بزرگ‌ترین دست‌آورد انقلاب ۲۲ بهمن، با واژگون شدن حکومت طاغوت و برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران به دست آمده است. از استقلال سیاسی باید بهمان‌ا هرم نیرومندی برای کسب استقلال در همه دیگر عرصه‌ها (که امری است ممکن و لازم) از طریق برقراری مناسبات با دیگر کشورها، بر مبنای احترام متقابل به تمامیت ارضی و حق حاکمیت، برابری کامل حقوق و سود متقابل عادلانه، کر جهت رشد و پیشرفت و تکامل جمهوری اسلامی ایران، استفاده کرد.

\* \* \*  
بمخوانندگان این مقاله توصیه می‌کنیم که برای احاطه بیشتر به مقوله "استقلال"، به مقاله‌هایی که در توضیح همین مقوله، در شماره‌های ۳۹۱، ۴۱۶، ۴۲۴ "نامه مردم" چاپ شده‌اند، مراجعه کنند.

### سند افشاکری...

بقیه از صفحه ۹

بخشی وسیع‌تری از مردم و بویژه هواداران «سازمان مجاهدین خلق» مطرح گشت، خشمگین‌تر شد. فقدان منطق و ضعف استدلال، بویژه آن‌همنگام که با فقدان شہامت مدنی و اخلاقی، همراه گردد، معمولاً جز به توسل به این روشهای مذموم، منجر نخواهد شد. رهبری «مجاهدین خلق» تلاش کرد، تا همچون مسوود مشابه دیگر در تاریخ، حقیقتی را که مطلوب آن نیست، زیر لای و لجن دروغ، تهمت، دشنام و افترا مدفون سازد، امری که البته امکانپذیر نیست.

«مجاهد» دامنه دشنامگویی و افترازی بی‌باکانه و لجام‌گسیخته علیه حزب توده ایران را بجای رسانید که همراه بادشنامهای زشت و بی‌بیزاری از «رأی‌رئیس» های حزب توده... علیه مجاهدین، «ضربه زدن و لودادن افراد و اماکن و مراکز مجاهدین خلق» ... ( «مجاهد» شماره ۱۲۰، صفحه ۲۷)

سخن به میان آورد. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در پاسخ به این افتراهای «مجاهد»، ضمن تأکید بر آنکه «بموجب مسئولیتی که درقبال انقلاب و جمهوری اسلامی و مردم انقلابی ایران احساس می‌کند، هرگونه اطلاعی را که در مورد فعالیت توطئه‌گرانه ضدانقلاب به منظور براندازی جمهوری اسلامی ایران و دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران، بدست آورده، در اختیار مقامات مسئول قرار داده است و خواهد داد» (نامه مردم، شماره ۵۱۶)، اتهام «رأی‌رئیس» در مورد «مجاهدین خلق» را «قاطعانه تکذیب» کرد و آنرا «اتهامی بی‌بایه و دروغی زشت» نامید.

حزب توده ایران، همچنین از رهبری «مجاهدین خلق» خواست که دلایل خود را در مورد اتهامات فوق، یا ذکر مدرک و سندفاض سازد.

رهبری «مجاهدین خلق» ظاهراً در «مجاهد» شماره ۱۲۱ صفحه ۶ تلاش کرده است، تا «دلیلی» برای اثبات افترای خود ارائه دهد. «مجاهد» در این شماره سندی را تحت عنوان «سند آشکارخیانت» نمونه‌ای از راپرت‌های ضدانقلابی حزب توده بر علیه «مجاهدین»، کلیشه کرده است، که بررسی آن، افشاگر نمونه‌ای از اتهامات بی‌بایه رهبری «مجاهدین خلق» به حزب توده ایران است. در مورد این سند، تذکرات چندی ضروری است:

۱- متن سند منتشره چنین است:

«گزارش از لندن - دو شنبه ۱۳۶۰»

از آشوبهایی که طی چند روز اخیر در شهرهای مختلف ایران و عمدتاً بوسیله مجاهدین خلق بوجود آمده است، دو سه روز قبل ضدانقلاب اطلاع داشته است. با درود و آرزوی موفقیت حزب توده ایران

اولاً همانطور که در نگاه اول آشکار میشود، سند فوق بی‌بیزاری نمی‌تواند (نمونه‌ای از راپرت‌دادن علیه مجاهدین خلق) باشد. آیا در اوایل اردیبهشت ماه ۶۰ در شهرهای مختلف ایران آشوبهایی که «مجاهدین خلق» نیز در آن شرکت فعال داشته‌اند، بوقوع نبویست؟ آری، راپرت‌رسان آیا

ضدانقلاب، از وقوع این آشوبها با خبر نبوده است؟ آری، باخبر بوده است. «مجاهد» در مقاله سرایا دشنام خود به حزب توده ایران، وقوع آشوبها را تأیید کرده و آگاهی ضدانقلاب از این آشوبها را نیز تکذیب نکرده است. بدینجهت سندفوق‌بجای آنکه دستاویزی برای دشنامگویی و افترازی به حزب توده ایران گردد، بالعکس می‌بایست هشدار تکان دهنده برای رهبری «مجاهدین خلق» باشد و آن راه نادرستی و زیانباری روشی که در پیش گرفته است رهنمون و از همسوئی عملی با ضدانقلاب، بازدارد.

رهبری «مجاهدین خلق» بی‌بیزاری میکوشد، تا وانمود کند که حزب توده ایران، اعضا و هواداران «سازمان مجاهدین خلق» را «ضدانقلابی» ارزیابی می‌کند. ما بارها و به‌صراحت اعلام کرده‌ایم که جای واقعی اکثریت مطلق اعضا و هواداران «سازمان مجاهدین خلق» را در جنبه خلق، در جنبه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن می‌دانیم و بشدت از اعمال اشتباه آمیز آنها، که مورد سوء استفاده امپریالیسم آمریکا کمک می - رساند، متأسفیم و تمام تلاش خود را برای هشیار کردن آنها بکار می‌بریم، تا این نیروهای واقعی خود را در جنبه خلق و انقلاب احراز کنند.

اما اگر رهبری «مجاهدین خلق» یا در پیش گرفتن سیاستهای علیه مصالح انقلاب و با کمک به ایجاد و گسترش جو تشنج و ناآرامی که مطلوب و هدف ضدانقلاب سازمان یافته نیز هست، بی‌آنکه توده‌اعضا و هواداران آن‌بخوانند، امکان بهره‌برداری را برای ضدانقلاب فراهم میکند و حتی به آن امکان میدهد که آشوبگرانه خود را با اقدامات نادرست و تشنج‌آفرین «مجاهدین خلق»، هماننگ سازد و از آن پیشاپیش آگاه باشد، گناهی متوجه حزب توده ایران نیست. حزب توده ایران بارها و بارها «مجاهدین خلق» را از ارتکاب اعمالی که به سوء استفاده ضدانقلاب و امپریالیسم آمریکا منجر شود، برحذر داشته و نادرستی و زیان این اعمال را متذکر گردیده و تا آن زمان که همه عناصر صادق «مجاهدین خلق» عملاً به جنبه خلق و انقلاب تکرورده‌اند، به این روش مسئولانه خود ادامه خواهد داد. لذا رهبری «مجاهدین خلق» نیز بهتر است، بجای آینه‌شکستن، به درک و تبیین علل همسوئی اقدامات خویشی با ضدانقلاب بپردازد و این مشی نادرست و زیانبخش، که «مجاهدین خلق» را به آلت دست تحریکات و توطئه‌های ضدانقلاب و لیبرال‌های بدل کرده است، تصحیح کند.

ثانیاً آگاهی پیشاپیش ضدانقلاب از وقوع تشنج‌ها در ایران، می‌تواند بیانگر آن باشد که مرکز رهبری کننده ضدانقلاب در خارج کشور خود در سازمان - دادن این تحریکات نقش درجه اول داشته و با رسوخ دادن افراد خود، هم در صفوف نهادهای انقلابی و گروههای موسوم به «حزب الهی» و هم در صفوف هواداران «سازمان مجاهدین خلق» و سایر گروههای درگیر، سناریوی تحریک و درگیری متقابل را تدارک دیده، قانیروهای تحریک شده و مستعد را بجا یکدیگر می‌اندازد

۲- «مجاهد» نیز بی‌برده است که این «سند» از اثبات اتهامات پیش گفته، عاجز است، بهمین دلیل برای جبران ضعف «مدرک» آنرا با مشتکی از زشت‌ترین و بیسابقه‌ترین دشنامها و اتهامات، که بی‌واسطه از متن «تهران‌مصور» و «شاهد» مظفر بقایای استخراج شده‌اند، همراه ساخته است. برای نشان دادن نمونه‌ای از «استدلالات» «مجاهد» - تنها دشنامها و اتهامهای صفحه ۶ شماره ۱۲۱ این نشریه را ذیلاً نقل می‌کنیم:

«اوج خیانت بار فرصت طلبی»، «خیانت‌های ضدانقلابی»، «ایادی حزب توده در اطلاعات و گمان» «حزب مردم‌فروش توده»، «همدمی و دمسازی شگفت‌انگیز حزب توده با بقایای کاشانی و حزب زحمتکشان ... که... کوشیده‌اند از اعدام امثال امیر - اشرفی... ممانعت کنند»، «آیا خط توده - نفتی» باز هم مشترکاً علیه انقلاب ایران وارد میدان شده است؟

و آشوب برپا کند، ۲- «مجاهد» نیز بی‌برده است که این «سند» از اثبات اتهامات پیش گفته، عاجز است، بهمین دلیل برای جبران ضعف «مدرک» آنرا با مشتکی از زشت‌ترین و بیسابقه‌ترین دشنامها و اتهامات، که بی‌واسطه از متن «تهران‌مصور» و «شاهد» مظفر بقایای استخراج شده‌اند، همراه ساخته است. برای نشان دادن نمونه‌ای از «استدلالات» «مجاهد» - تنها دشنامها و اتهامهای صفحه ۶ شماره ۱۲۱ این نشریه را ذیلاً نقل می‌کنیم:

«اوج خیانت بار فرصت طلبی»، «خیانت‌های ضدانقلابی»، «ایادی حزب توده در اطلاعات و گمان» «حزب مردم‌فروش توده»، «همدمی و دمسازی شگفت‌انگیز حزب توده با بقایای کاشانی و حزب زحمتکشان ... که... کوشیده‌اند از اعدام امثال امیر - اشرفی... ممانعت کنند»، «آیا خط توده - نفتی» باز هم مشترکاً علیه انقلاب ایران وارد میدان شده است؟

«آیا حزب توده اینبار در اینتلیجنجت سرویس (سازمان جاسوسی انگلستان) و یا در بین ضدانقلاب قرار می‌گیرد و عملاً به امپریالیسم آمریکا کمک می - رساند، متأسفیم و تمام تلاش خود را برای هشیار کردن آنها بکار می‌بریم، تا این نیروهای واقعی خود را در جنبه خلق و انقلاب احراز کنند.

اینها «دلیل» و «استدلالات» حاشیه‌ای ر مکمل «سند آشکار» و «قطعی» فوق‌الذکر است، که البته درخور پاسخگویی نیستند. اما لازم به یادآوری است که اصطلاح «توده‌نفتی»، که رهبری «مجاهدین خلق» نیز سرانجام آنرا پس از شاه و ساواک و دیگر وابستگان به این شجره خبیثه بکار برده است، و نیز داستان ساختگی اسناد «خانه سدان»، ابداع «شاهد» مظفر بقای هستند و اتهام «نفوذ توده‌ها در ارگانها و نهادها» نیز از حنجره «ریگان» و پیروان ایرانی وی برخاسته است.

۳- بدست آوردن سند مذکور از نخست‌وزیری نشان میدهد: الف - «مجاهدین خلق»، که متأسفانه هم‌زمان با ضدانقلاب و بلندگوهای امپریالیستی، حزب توده ایران را متهم به «نفوذ» در دستک‌های دولتی می‌کنند، مانند دیگر اتهام‌زندگان، آنرا به پوششی برای کتمان تلاش خویشی برای «همین نفوذ» بدل کرده‌اند.

ب - «مجاهدین خلق» که ظاهراً به اسناد محرمانه‌ای که حزب توده ایران در اختیار مقامات مسئول قرار داده است، دسترسی پیدا کرده‌اند، هرچه گشته‌اند، سندی «قاطعتر» از سند فوق برای اثبات افترای «راپرت‌دادن حزب توده ایران علیه مجاهدین خلق» نیافته‌اند، که تازه این سند خود دلیلی بر محکومیت خود آنهاست.

ج - اسناد و اخباری که حزب توده ایران از فعالیت‌های توطئه‌گرانه ضدانقلاب در اختیار مقامات مسئول قرار می‌دهند، مسئولانه نگاهداری نمی‌شوند و امکان نشت و نشر غیرمسئولانه آنها وجود دارد. ما ضمن اعتراض جدی به خروج این اسناد و اخبار، خواستار اتخاذ تدابیر جدی از جانب مقامات مسئول برای ممانعت از تکرار

### استقلال جنبش...

بقیه از صفحه ۱

همبستگی کارگران و زحمتکشان مفهوم است. آنچه مفهوم نیست، اینست که متأسفانه «انجمن» در - عین حال از جانب برخی مقامات دولتی و برخی نیروهای که مدعی دفاع از انقلاب هستند، نیز زیر فشار قرار می‌گیرد، مواضع درست و اصولی آن تحریف می‌شود و یا علناً به آن اتهام زده میشود. میتوان گفت که حمله اخیر به «انجمن همبستگی» در چنین جوی صورت گرفته است.

برای توضیح مطلب بدنیست کمی به عقب برگردیم و حوادث تدارک‌گزینی اول ماه مه بوسیله «انجمن» را مورد توجه قرار دهیم. «انجمن همبستگی» امسال نیز، مانند سال گذشته، بنا به درخواست سندیکاهای و شوراهای کارگری عضو، ابتکار برگزاری جشن اول ماه مه را بعهده گرفت. بر این اساس، از جانب «انجمن» از کلیه سازمانهای کارگری دعوت شد که آمادگی خود را برای شرکت یکپارچه در جشن اول ماه مه ابراز دارند. نزدیک به ۱۲۰ سندیکا و شورابه دعوت «انجمن» پاسخ مثبت دادند و با تشکیل کمیته‌های گرداری اول ماه مه، همکار را به شرکت در این مراسم دعوت کردند.

در بیانیه شماره ۳ «انجمن»، ضمناً از کلیه سازمانها و گروهها و احزاب سیاسی دعوت بعمل آمد که همراه سندیکاهای و شوراهای کارگری در جشن اول ماه مه شرکت کنند. حزب توده ایران، به استناد همین دعوت، در جشن «انجمن» شرکت کرده همانطور که صبح اول ماه مه نیز ما، بدون دعوت، در راهپیمایی شرکت کردیم. گذشته از حزب ما، سازمانها و گروههای بسیار دیگری که دفاع از خواست کارگران و زحمتکشان را وظیفه خود می - شمارند و به اصل استقلال جنبش سندیکائی احترام می‌گذارند، نیز شرکت خود را در جشن‌های اول ماه مه «انجمن همبستگی» اعلام داشتند.

تا اینجا هیچ مشکلی برای «انجمن» بوجود نیامد. بر اساس تقاضای «انجمن»، وزارت کشور اجازه برگزاری جشن اول ماه مه را به «انجمن» داد. این گام مثبت در جهت اجرای قانون اساسی و اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب بود. ولی این گام مثبت متأسفانه با برخی پدیده‌های منفی و نامفهوم همراه بود.

نخست آنکه به «انجمن» اجازه این قبیل حوادث و کنترل و حفاظت دقیق این اسناد هستیم. ۴- تفاوت ما با رهبری «مجاهدین خلق» آنست که ما اخبار فعالیت ضدانقلاب را برای حراست انقلاب و دستاوردهای آن از توطئه‌های ضدانقلاب، در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهیم، اما رهبری «مجاهدین خلق» از درون دستگاه دولت جمهوری اسلامی ایران خبر می‌گیرد و با انتشار آن، منابع خبرگیری ما را بخطر می‌اندازد. ۵- و سرانجام بدلیل واضح، پرسش عجیب رهبری «مجاهدین خلق» از حزب توده ایران، مبنی بر اینکه حزب توده ایران از چه منابعی در لندن گزارش مزبور را بدست آورده است؟ قابل پاسخگویی نیست.

راه‌پیمایی داده نشد. دوم اینکه محل میتینگ استادیم تختی تعیین شد که به‌علت دوری، برای کارگران و خانواده‌های آنان بسیار دشوار بود که بتوانند خود را به محل میتینگ برسانند و به همین جهت «انجمن» تلاش فراوانی در جهت تغییر محل میتینگ بعمل آورد و خوشبختانه توانست موافقت وزارت کشور را در این زمینه جلب کند. ولی چون این موافقت دیر انجام شده بود، عده زیادی از کارگران و خانواده‌های آنان نتوانستند به موقع از تغییر محل میتینگ مطلع شوند و لذا از شرکت در جشن محروم شدند. و بالاخره وزیر کشور و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران معلوم نیست به چه دلیل و طبق کدام مدرک «انجمن همبستگی» را وابسته به حزب توده ایران اعلام کردند.

حمله به «انجمن همبستگی» که ردیای قشریون و انحصارطلبان نیز در آن بوضوح دیده میشود، تنها دو هفته پس از یک چنین جریان صورت می‌گیرد. آیا نمی‌توان گفت که بهر حال زمینه سازی آگاهانه یا ناآگاهانه برای حمله عناصر مشکوک، از جمله همین اظهارات بدون مسئولیتی است که از جانب مقامات دولتی و رسمی بعمل آمده‌است؟ جالب اینکه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، که «انجمن» را وابسته به حزب توده ایران معرفی کرد، حاضر نشد بیانیه «انجمن» را در تکذیب چنین خبر نادرستی انتشار دهد.

حزب توده ایران، ضمن اینکه پشتیبانی خود را از موجودیت و فعالیت سازمانهای مستقل سندیکائی کارگران و زحمتکشان اعلام می‌دارد، در عین حال متذکر این واقعیت است که این سازمانها به هیچوجه وابستگی به حزب ما ندارند. حزب ما بطور اصولی وابستگی سازمانهای صنفی کارگری را بهر شکل و صورت به احزاب سیاسی نادرست می‌داند. حزب ما با تمام قوا از اصل استقلال سازمانهای صنفی کارگران و زحمتکشان دفاع می‌کند. ما معتقدیم که جنبش سندیکائی

### پیام شادباش

بقیه از صفحه ۱  
پس از آنکه خلق کامپوچیا شش سال پیش، زیر رهبری حزب انقلابی خلق کامپوچیا بر سسلطه امپریالیست‌ها و مزدوران داخلی آنها چیره گشت، متأسفانه دست‌نشاندها کان برتری جوان یکن نگذاشتند که خلق کامپوچیا زندگی نورا در آزادی، دیکراسی و رفاه آغاز کند. آنها سبعانه‌ترین اختناق را در کامپوچیا برقرار ساختند و به کشتار سه میلیون کامپوچیایی، از جمله هزاران تن از میهن‌دوستان و کمونیست‌های راستین دست زدند. اما بازماندهگان اینان پرچم مبارزه با رژیم خونخوار پولویوت - ینگ ساری را بدست گرفتند، حزب را بعنوان هسته «جبهه واحد نجات ملی کامپوچیا» بازسازی کردند، سرانجام این دارودسته دژخیم را سرنگون ساختند و نوسازی کامپوچیای نوین را آغاز نهادند.

اما اکنون نیز ما قویست‌های پکن و امپریالیسم همیار آن از هیچ کوششی برای مداخله در امور داخلی کامپوچیا فروگذار نمی‌کنند و تلاش می‌ورزند که کامپوچیا را به یکی از صحنه‌های تحریکات گسترده خود در جنوب خاوری آسیا بدل سازند.

حزب توده ایران برای کوشش‌های خستگی‌ناپذیر حزب انقلابی خلق کامپوچیا در راه نوسازی کامپوچیایی بسوی ایجاد جامعه بهروز و شکوفای سوسیالیستی و عادی سازی اوضاع در جنوب شرقی آسیا اهمیت فراوان قائل است.

ضمن آرزومندی موفقیت کنگره چهارم حزب شما، خواستار تحکیم و گسترش هرچه بیشتر مناسبات میان حزب توده ایران و حزب انقلابی خلق کامپوچیا بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری هستیم.

با درودهای رفیقانه  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دبیر اول: نورالدین گیانوری



### پنجمین زندانی ایرلندی در آستانه مرگ

بگفته یکی از سخنویان جنبش دفاع از اقلیت کاتولیک ایرلند شمالی، پنجمین زندانی «لانگ کش» بر اثر اعتصاب غذا در آستانه مرگ قرار گرفته است. تاکنون چهار زندانی دیگر در این زندان جان سپرده‌اند. خواست همه آنها آن بوده است، که دولت بریتانیا آنها را زندانی سیاسی بشناسد. «لندن» از تأمین این خواست لاجواب خودداری می‌ورزد و با این روش خود انزجار عمیق محافل کاتولیک را برانگیخته است.

نیروهای بریتانیایی به سرکوب جنبش همبستگی با زندانیان سیاسی «لانگ کش» ادامه می‌دهند. در ظرف یکماه اخیر حداقل ۱۶ تن در ایرلند شمالی به قتل رسیده و شماری بیشتر زخمی شده‌اند.

### تظاهرات بزرگت ضد نژادپرستی در «واشینگتن»

در تظاهرات بزرگی که در «واشینگتن» برگزار شد، مردم به خشونت‌های نژادی در آمریکا بطور اعم و قتل نوجوانان و کودکان سیاهپوست در آتلانتا (جورجیا) بطور اخص اعتراض کردند. تاکنون ۲۸ سیاهپوست در آتلانتا قربانی نژادپرستی شده‌اند. در اعلامیه‌ای که در میان تظاهرکنندگان پخش گردید، خاطر نشان شده است که نژادپرستان، که آزادانه در خیابانها قدم می‌زنند، آنگونه که رسانه‌های گروهی ریاکارانه مدعی هستند، «دیوانه‌هایی چند» نیستند، بلکه «این خود محافل حاکم آمریکا هستند که آنها را الهام می‌بخشند و به آنها سلاح می‌دهند.»

### چهارمین کنگره حزب انقلابی خلق کامپوچیا در پنوم پن گشایش یافت

روز ۵ خرداد ۶۰، چهارمین کنگره حزب انقلابی خلق کامپوچیا در پنوم پن گشایش یافت. کنگره به بررسی گزارش کمیته مرکزی، برنامه توسعه اقتصادی و پیشنهاد آئین‌نامه جدید حزب خواهد پرداخت. در گزارش کمیته مرکزی به کنگره چهارم حزب انقلابی خلق کامپوچیا به نقش کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی و ویتنام، در کمک به بازسازی کامپوچیا اشاره و از این کشورها قدرانی می‌شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام شادباشی به کنگره کمونیست‌های کامپوچییایی فرستاد، که متن آن در همین شماره «نامه مردم» چاپ گردیده است.

### سادات به خدمتگزاری به آمریکا اعتراف میکنند

سادات، رئیس جمهوری مصر، اعتراف کرده است که به ایالات متحده آمریکا پیشنهاد داده است تا برای استقرار «سپاه واگنشی سریع» از خاک مصر و تسهیلات نظامی آن استفاده جوید.

«واشینگتن» این سپاه را برای دخالت نظامی در مناطق گوناگون جهان، بویژه در خلیج فارس، پدید آورده است.

سادات این اعتراف را در جریان دیدار خود از خرمطوم، پایتخت سودان، بعمل آورد.

### نگرانی عمیق محافل اجتماعی و مردم آلمان غربی از نقشه استقرار موشکهای اتمی

«بونستگ» (پارلمان «بن») به بررسی استقرار موشکهای هسته‌ای جدید آمریکا در آلمان فدرال و دیگر کشورهای اروپای غربی پرداخت. این مسئله نگرانی عمیقی را در این کشور برانگیخته است. بیش از ۸۰۰ هزار شهروند آلمان غربی از دولت خواسته‌اند که از استقرار این موشکها جلوگیری کند. علاوه بر این، بسیاری از رهبران احزاب دولتی «سوسیالدمکراتها» و «دموکراتهای» آزاده ناخشنودی خود را از تصمیم دولت فدرال ابراز داشته‌اند.

### در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی گفته شد:

# هنوز بر امور اداری ما نظام بوروکراسی حاکم است

از پیروزی انقلاب تاکنون برنامه‌ریزی وجود نداشته است  
مسئیر اقتصادی کشور باید روشن شود

روشن شدن مسیر اقتصادی آینده کشور شد. سپس حجت‌الاسلام مسادینخواه در موافقت با این لایحه سخن گفت. وی تأکید کرد که: «تا وقتی وزارتخانه‌های طاغوتی هست و تغییر بنیادی در سیستم طاغوتی داده نشده است، یک بودجه اسلامی تصویب نخواهد شد.» وی ضمن تأیید اشکالات این بودجه، از مخالفین خواست که مشکلات موجود ناشی از جنگ، توطئه ضدانقلاب، محاصره اقتصادی و... را نیز در نظر بگیرند. وی در پایان ابراز امیدواری کرد که مسئولین کشور در دگرگون کردن نظام طاغوتی و جایگزینی سیستمی مناسب بانظام جمهوری اسلامی موفق شوند. جلسه بعدی مجلس، ساعت ۱۵ امروز تشکیل می‌شود.

فعلی را انفعالی خواند و خواستار فعال شدن آن گردید. و همچنین متذکر شد که این بودجه خواست استقلال را تأمین نمی‌کند. غفوری بودجه مطرح شده را «بودجه مصرفی» خواند و متذکر شد که «این بودجه باید بودجه تولیدی باشد.» وی از اینکه در بودجه فعلی موارد سری غیر ضروری هست، انتقاد و تأکید کرد که نباید هیچ چیز از مردم پنهان باشد. ناطق از دولت خواست که برنامه‌ریزی جدی بعمل آورد. وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «انتظار ما از نظام جمهوری اسلامی اینست که از معادن که جزء ثروت‌های کشور و متعلق به نسلهای آینده است، بعنوان درآمدها فعلی استفاده نکنند.» ناطق تأکید کرد که برای مبارزه با تورم و گرانی باید ریشه‌های آن شناخته شود. علی گلزاده غفوری در پایان خواستار

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که بریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، مسائل مختلف مملکتی و لایحه بودجه ۴ ماهه اول سال ۶۰ مورد بحث و بررسی قرار گرفت. تنها ناطق پیش از دستور جلسه دیروز، علی قائمی امیری، نماینده بابل - بندپی، درباره مسائل مختلف کشور سخن گفت. وی ضمن تأکید بر توطئه‌های «دشمنان داخلی و خارجی»، به بمباران مناطق مسکونی توسط دشمنان خارجی و نابود کردن، ایستادگی مردم توسط دشمنان داخلی اشاره کرد. وی همچنین به عیب‌جویی اشاره کرد که در بین هزاران نقطه قوت انقلاب فقط نقطه‌های ضعف و اشتباه را می‌بینند. ناطق در بخش دیگری از سخنانش، ضمن اشاره به بیداری و هشیاری مجلس، از شیوه کار آن انتقاد کرد و گفت: «مجلس» گاهی برای تغییر یک کلمه نه‌چندان مهم، یک ربع وقت‌گذاری می‌کند. موافق و مخالف را به بحث می‌کشاند. طرحها و لوایح یک فوریتی آن با پیشنهادهای وسواسی ما، ترمز مجلس است و موجب اتلاف وقت.»

وی همچنین در مورد اداره‌ها گفت: «هنوز در بسیاری از امور اداری ما نظام بوروکراسی غلیظ حاکم است.» پس از پایان سخنان قائمی، رئیس مجلس تذکرات چندتن از نمایندگان را به اطلاع مجلس رساند. وی از جمله تذکر زائری، نماینده بندرعباس، را مطرح کرد که در آن در مورد گسترش تروریسم در حوزه انتخاباتی اش هشدار داده و از وزارت کشور خواستار اتخاذ برنامه فوق‌العاده برای سرکوب تروریسم شده بود.

آنسگاه مجلس وارد دستور شد و پیشنهادهای نمایندگان درباره لایحه «اجازه انجام عملیات واحدهای مسکونی» مورد بررسی قرار گرفت. پس از بررسی چند پیشنهاد، طرحی از جانب ۱۵ نفر از نمایندگان مبنی بر مسکوت گذاردن این لایحه، تا پایان بررسی لایحه مربوط به بودجه، پیشنهاد شد. حجت‌الاسلام ناطق نوری در دفاع از این پیشنهاد متذکر شد که لایحه اساسی مربوط به مسکن، که مردم در انتظار آن هستند، این نیست.

پس از تصویب این پیشنهاد، لایحه «اجازه انجام هزینه‌های کشور در چهارماهه اول سال ۶۰» (چهاردوازدهم بودجه) مورد بحث و بررسی قرار گرفت. ابتدا مخیر «کمسیون برنامه و بودجه» در توضیح این لایحه سخن گفت. وی از جمله متذکر شد که از پیروزی انقلاب تاکنون برنامه‌ریزی وجود نداشته است. وی آنسگاه بر لزوم برنامه‌ریزی دقیق و کامل تأکید کرد. مخیر کمسیون سپس ضمن ارائه آمار و ارقام مربوط به هزینه‌ها و درآمدها در سال گذشته و امسال، توضیح داد که این آمار نشان‌دهنده کاهش درآمد ناشی از اخذ مالیات است. وی خواستار دگرگونی سیستم مالیاتی کشور و اخذ بیشتر مالیات شد. پس از آن علی گلزاده غفوری در مخالفت با این لایحه سخن گفت. وی بودجه

### نامه ۱۳۰ نماینده مجلس به رهبر لیبی: هرگونه تجاوز علیه لیبی، تجاوز علیه انقلاب اسلامی ایران است

۱۳۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، طی نامه‌ای خطاب به معمر قذافی، رهبر لیبی، حمایت خود را از این کشور در مقابل تجاوزات امپریالیسم آمریکا و مزدورانش در منطقه اعلام کردند. در این نامه از جمله آمده است: «تهدیدات امپریالیسم آمریکا و مزدوران منطقه‌اش خصوصاً سادات خائن و نیرری مزدور، علیه امت انقلابی لیبی را از خیر گزاریهای امپریالیستی دریافت داشتیم. حرکت انقلابی لیبی و

ایران نقطه امید برای جهان اسلام و نهضت‌های آزادیبخش به‌شمار می‌رود و بدین‌روی طبیعی است که خشم استکبار جهانی و مزدورانش را برانگیزاند.» در قسمت دیگری از این نامه، با تأکید بر اینکه «هرگونه تهدید و تجاوز علیه انقلاب لیبی بمثابة اعلام حرب علیه جهان اسلام و انقلاب اسلامی ایران است»، گفته میشود: «ما بر مبنای تکلیف شرعی اسلامی خود را در کنار ملت شما احساس می‌کنیم.»

طی اجتماعی در برابر مجلس شورای اسلامی:

### گروهی از مردم بوئین‌زهراتوطئه انحلال کمیته انقلاب منطقه خود را محکوم کردند

داشتن بلاکارهایی، هرگونه توطئه در جهت انحلال این کمیته را محکوم کردند و خواستار رسیدگی به شکایات مردم بوئین‌زهرات علیه یکی از «روحانی‌نمایان فاسد» این شهر شدند.

گروهی از مردم بوئین‌زهرات، صبح دیروز، طی اجتماعی در برابر مجلس شورای اسلامی، خواستار ابقای کمیته انقلاب اسلامی قزوین به سرپرستی «مید حسین موسوی» شدند. این گروه با در دست

### دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی با امام خمینی

نمایندگان مجلس شورای اسلامی امروز ساعت ۹ پ در محل حسینیه جماران، با امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار

جمهوری اسلامی ایران، ملاقاتی خصوصی خواهند داشت.

### استعفای نخست‌وزیر و چندتن از نمایندگان که به مقامات اجرائی برگزیده شده‌اند، از نمایندگی مجلس

که از سوی امام خمینی شده بود، ذکر کرد. همچنین محمدعلی رجائی، دکتر زهنر و محمدعلی نژاد ساوختانی، که به مقامات اجرائی برگزیده شده‌اند، دیروز طی نامه‌هایی استعفای خود را از نمایندگی مجلس اعلام کردند.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز و نماینده این شهر در مجلس شورای اسلامی، طی نامه‌ای خطاب به ریاست مجلس شورای اسلامی از سمت نمایندگی استعفا کرد. وی در این نامه، علت استعفای خود را، ضرورت وجود خود در تبریز و تأکید

# باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم